



نظری اجمالی بر تعدادی از  
آموزه های اقتصادی رساله مدنیّه  
اثر حضرت عبدالبهاء

به کوشش هوشمند بدیعی

۲۰۲۳

Selected Economic Doctrines of 'Abdu'l-Bahá in  
The Secret of Divine Civilisation



نظری اجمالی بر تعدادی از  
آموزه های اقتصادی رساله مدنیّه  
اثر حضرت عبدالبهاء

### چند توضیح به خوانندگان عزیز در باره مطالعه این جزوه

رساله مدنیّه اثر حضرت عبدالبهاء میبایست بعنوان یک کتاب درسی و در باره بسیاری از موضوعات در سطح آکادمیک مطالعه و تدریس شود و مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد. در عمل، این رساله میتواند مورد استفاده متخصصین امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و همچنین برنامه ریزان دولتی نیز باشد.

در این بررسی تمرکز بنده بیشتر در باره موضوعات اقتصادی این رساله است. البته برای پژوهش هر موضوعی که جنبه امری داشته باشد بهتر است کل آثار بهائی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. عبارت دیگر میبایست آئین بهائی را بصورت یک بسته بندی کل در نظر گرفت. هر چند این مورد برای نگارش این جزوه در نظر گرفته نشده است و تمرکز بنده فقط روی تعدادی از آموزه های اقتصادی این رساله میباشد و آن هم بطور اجمالی و بدون مراجعه به سایر آثار بهائی.

از آنجا که بعضی از آموزه های حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه داری معانی و تعبیرات مختلف میباشند، لذا بعضی از بیانات در بخشهای مختلف این جزوه تکرار شده است. برای نگارش این جزوه از رساله مدنیّه چاپ دوم ۱۹۱۱ میلادی استفاده شده است.

توضیحات در باره بیانات حضرت عبدالبهاء نظرات شخصی نویسنده میباشد.

همچنین از خانم بهدخت تهذیب الیاسیه و خانم می بدیعی برای انجام ویرایش این نوشته کمال تشکر را دارم.

هوشمند بدیعی

۲۰۲۳

## فهرست موضوعات

۱. مقدمه ... 5
۲. شرایط اقتصادی ایران در زمان نگارش رساله مدنیّه ... 9
۳. بیان ویژگیهای مفید برای شناخت مدرنیته ... 14
۴. علت نگارش رساله مدنیّه ... 19
۵. نظریه رشد و توسعه اقتصادی ... 23
۶. نظریه در باره مفهوم ثروت ... 28
۷. نظریه اهمیت صرف ثروت در امور خیریه ... 34
۸. نظریه تربیت اطفال در صغر سن ... 36
۹. نظریه تکثیر وسائط ثروت ملت ... 43
۱۰. نظریه سعادت هر ملّتی در آن است که از افق معارف چون شمس مشرق گردند ... 46
۱۱. نظریه اقتباس از ممالک سایره ... 52
۱۲. نظریه "صفات کمالیه" ... 56
۱۳. نظریه سعادت بشریه ... 60
۱۴. نظریه منفعت جمهور را خواستن ... 67
۱۵. ایران مرکز سنوح کمالات انسانیه ... 70
۱۶. نظریه نابرابری اقتصادی و فقر ... 73
۱۷. نظریه آسایش آفرینش ... 78
۱۸. نظریه تجارت بین المللی ... 86
۱۹. نظریه روش مشورتی تصمیم گیری ... 93
۲۰. نظریه تبعیض و ترک تعصبات ... 97
۲۱. نظریه فساد اقتصادی ... 100
۲۲. نظریه آزادی ... 103
۲۳. نظریه تمدن حقیقی ... 107
۲۴. نظریه عدل و انصاف ... 111
۲۵. سخن پایانی ... 118

رساله مدنیّه اثر حضرت عبدالبهاء در سال ۱۸۷۵ میلادی و ۱۲۵۴ شمسی به درخواست پدرشان حضرت بهاءالله، مؤسس آئین بهائی، نوشته شد. رساله مدنیّه یکی از آثار ارزشمند حضرت عبدالبهاء است. این رساله در سال ۱۸۸۲ء میلادی در هند چاپ شد و در همان سال با نام "اسرار الغیبیه لاسباب المدنیّه"، به صورت اثری که نویسنده آن مجهول بود، بین متفکران ایرانی دست به دست منتشر شد. دلیل مجهولیت این اثر به فرموده شخص حضرت عبدالبهاء در صفحه ۸ رساله این بود که "واضح و مبرهن گردد که مقصودی جز خیر کل ندارد." و نیز میفرمایند، "خداوند عالمیان شاهد و گواه این عبد است که در بسط این مضامین مقصد مدهنه و جلب قلوب و چشم بمکافات خیریه از جهتی نداشته و ندارم بلکه ابتغاء لمرضاة الله میگویم نظر از عالم و عالمیان بسته بصون حمایت حضرت احدیّت التجا نموده‌ام لا اسألکم علیه اجراً ان اجری الا علی الله." (رساله مدنیّه، ص ۱۷)

حضرت بهاء الله از حضرت عبدالبهاء می‌خواهند تا "چند ورقی در سبب و علت عمار دنیا و خرابی آن نوشته شود بقسمی که متعصبین را یک درجه تنزل دهد تا مستعد شوند از برای اصغاء حقیف سدره بیان که الیوم مرتفع است" (فیضی، محمدعلی؛ حیات حضرت عبدالبهاء؛ طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری؛ ۱۲۸ بدیع [۱۳۵۰ ه.ش] صص ۴۳-۴۲). در همان سال ها در محافل ایرانیان صدای اصلاحات به گوش می رسید و حتی به دربار ناصرالدین شاه هم رسیده بود. لذا، این رساله خطاب به شاه، روحانیون، مامورین دولتی، روشنفکران و مردم ایران در زمان زندگی حضرت عبدالبهاء بوده است. اگرچه این کتاب حسب الامر حضرت بهاء الله نگاشته شد، اما آن طور که حضرت عبدالبهاء در ابتدای کتاب توضیح می‌فرمایند به گونه ای نیز در پاسخ به نیت خالصه پادشاه وقت برای ایجاد اصلاحات و تغییرات در مملکت نگاشته شده است. برجسته ترین موضوعی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته تجدد و نحوه مواجهه جامعه ایران با آن است که موضوعی بسیار مناقشه برانگیز بوده و هنوز هم تا حدودی هست. به همین جهت بیشتر بررسی هایی که در رابطه با رساله مدنیّه به عمل آمده بحث مدرنیته، رشد و توسعه اقتصادی و تغییر اجتماعی در ایران و نقش دین در ایجاد تمدن را مورد بررسی قرار داده است. آموزه‌های غنی و فراوان آن، نمود عملی در زندگی بهائیان نیز

داشته و دارد، و ویژگیهای متمایز جامعه بهائی در ایران شاهد این مدعاست. در این صحبت اشاره ای مختصر به بررسی بعضی از آموزه های اقتصادی رسالهٔ مدنیّه میشود. ولی قبل از آن اشاره ای به اوضاع سیاسی - اقتصادی - فرهنگی - دینی و کلا اجتماعی ایران در زمان قاجاریه که رساله مدنیّه نوشته شده میشود.

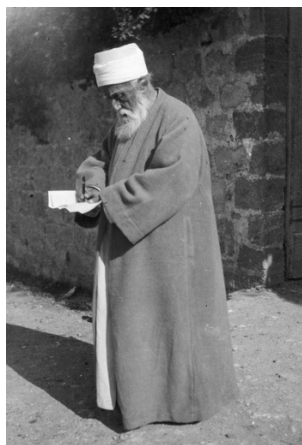
از دیدگاه دکتر شاپور راسخ رساله مدنیّه فاقد فصل بندی و بخش بندی است ولی ایشان آنرا در چهار مبحث تقسیم بندی کرده اند:

مبحث اول، در رابطه با دفاع از نهضت اصلاح طلبی و پاسخگویی به اعتراضات مخالفان اصلاح و تجدد و یا مدرنیته با کاربرد دلایلی عقلی و نقلی که هم روشنفکران عرف گرایی را اقناع کند و هم ملایان سنت پرست را. در مبحث دوم، حضرت عبدالبهاء معنی تمدن حقیقی را بیان می کنند و به طور ضمنی تمدن غرب را که دست از دامن اخلاق و معنویت برداشته و به مسابقه تسلیحات و جنگ و قتل ممنوع و سعی در تسلط بر عالم روی آورده انتقاد می کنند.

در مبحث سوم، مخاطب حضرت عبدالبهاء مردم روشنفکر شرق و غرب هستند زیرا با ذکر تاریخ ادیان مختلفه نشان می دهند که این ادیان تاثیرات عظیم در ترقی

مادی و معنوی بشر داشته‌اند. ولی در عین حال تصدیق می‌کنند که هرگاه زمام امور به دست علمای غیر کامل افتاد نورانیت دیانت پوشیده شده است.

در مبحث چهارم، مخاطب حضرت عبدالبهاء مردم ایران و خصوصاً طبقه روحانیون هستند و در اینجا است که حضرت عبدالبهاء نصایح و وصایای عمده خود را به ملت ایران تشریح می‌فرمایند مانند: ضرورت برقراری حکومت قانون، تاسیس مجالس شور، توسعه اقتصاد و صناعت، اقتباس مدنیت از ممالک پیشرفته از جمله اشاره به کشور ژوپان، تحصیل معارف و کسب علوم و فنون مفیده .





## شرح مختصری از شرایط اقتصادی ایران در زمان نگارش رساله مدنیّه

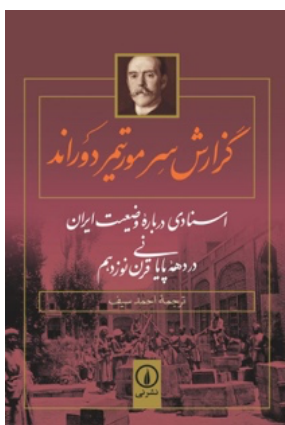
ساختار اقتصادی ایران در دوران صد و چهل سال حکومت سلسله قاجار (۱۷۸۵-۱۹۲۵)، ایران در وضعیت بسیار وخیمی قرار داشت. شرایط سیاسی - اجتماعی - اقتصادی ایران در این دوران گویای ویژگی‌های کلیدی اقتصاد ورشکسته و تحت فشار و هرج و مرج شدید سیاسی از هم گسیخته بود. چندین دهه تهاجم خارجی، منازعات داخلی، بی‌قانونی، انحطاط گسترده‌ای را به این کشور به ارمغان آورده بود.

در اینجا به چند گزارش از مورخینی که تحقیقاتشان در رابطه با دوران صد و چهل سال حکومت سلسله قاجار است اشاره میشود.

بنا به گفتهٔ مورّخ چارلز ایساوی (Charles Issawi)، از لحاظ ساختار بنیادی اقتصادی "ایران مظهر ویژگی‌های کلیدی اقتصادی رو به قهقرا بود." همچنین، مورّخ یروّند

آبراهامیان (Ervand Abrahamian)، مجموعه مسائلی را به عنوان عواملی که در عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و از هم گسیختگی مردم در دوران قاجار بود، مورد بررسی و تأکید قرار داده است. از همه مهمتر او به نبود نخبگان اداری و سیاسی که بتوانند به نظارت درست بر فرایند تغییر و تحوّل پردازند اشاره دارد. عقب ماندگی امکانات بالقوه کشاورزی و آموزش و پرورش از جمله آنهاست. آبراهامیان اولین نفری بود که وضعیت وحشتناک اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران قاجار را بررسی نمود. مثلاً، در رابطه با موازنه تجاری، آبراهامیان برخی از شواهد جالب برای دوران ۱۸۳۰-۱۸۸۰ را نقل می کند. ارقامی که او ذکر می کند نشان دهنده کسری عظیم در ایران است. لذا در تحلیل شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی ایران در این دوران، متخصصین و مورخین اشاره به انحطاط و ورشکستگی ایران دارند. آبراهامیان می نویسد: «این کسری حجیم و مستمر، از لحاظ عملی، به معنی خروج مقادیر قابل ملاحظه ای طلا و نقره از کشور بود... کاهش فزاینده ارزش سکه و دیگر عوامل، در دورانی از ۱۸۴۳ تا ۱۸۶۱، به نرخ تورمی بین ۷۰ تا ۱۵۰ درصد منجر شد که سبب شد قیمت برخی از اقلام مهم از قبیل گندم و جو سه برابر شود... غیر از نتایج کاملاً اقتصادی داد و ستد با اروپا، اختلالات اجتماعی ناشی از واردات کالاهای تولیدی اروپایی

به سقوط و حتی مرگ بسیاری از صنایع سنتی محلی منجر گردید.» (مندرج در کتاب اقتصاد و آئین بهائی ، فصل اول، نوشته هوشمند بدیعی)



گزارش سر مورتیمر دوراند (Sir Mortimer Durand)  
درباره وضعیت ایران

در صفحه ۳۸ کتاب گزارش سر مورتیمر دوراند ( Sir Mortimer Durand) درباره وضعیت ایران در دهه های پایانی قرن نوزدهم اینطور نوشته شده و خلاصه آن به شرح زیر است:

• ایران بد اداره می شود و شرایط کلی اش رضایت بخش

نیست.

- وضع مالی اش خراب است.
- منابعش دست نخورده مانده است.
- تجارتش رونقی ندارد.
- بعضی نشانه های شورش و ناآرامی در کشور هم دیده می شود. هیچ محکمه قضایی قابل اعتمادی نیست. دورنمای مناسبات داخلی و خارجی، خراب است.
- شاه صرفاً دنبال پول است و «حکومت ایالات و مناصب مهم دولتی را به طور منظم به کسی که بیشترین پول را بپردازد برای دوره های کوتاه می فروشد. به همین سبب، کشور را غارت می کنند و نظام اداری به شدت نابسامان است.
- دولت مرکزی ضعیف است و نه فقط از سوی حکمرانان محلی بلکه از سوی ملاها هم - که قدرتشان بسیار بیش تر از آن است که باید باشد، نادیده گرفته می شود.
- وطن پرستی که بتوان با آن کار کرد، وجود ندارد.
- امور ارتش، مالی، عدلیه و گمرک وخیم هستند.
- به طور کلی به نظر دوراند، در ایران "هیچ چیز سر جای خودش نیست ... و ایران از سوءمدیریت شدیدی رنج می برد." با این حال دوراند، اصلاحات اساسی را در ایران

ناممکن می‌داند زیرا به اعتقاد او در اثر آن منافع شاه، صدراعظم، حاکمان ایالات به خطر می‌افتد. سراسر گزارش، از اشاره به فساد و وضعیت مغشوش اداری، مالی، نظامی و قضایی ایران پر است و تأکید بر اصلاحات در ایران ضروری دانسته شده است. در نتیجه، ایران عملاً ورشکسته و دولت مرکزی آن ضعیف بود.

شرایط وخیم اجتماعی - اقتصادی - سیاسی ایران و بقیه نقاط جهان در طی دوران قاجار را می‌توان از آثار بهائی نیز درک کرد. حضرت بهاء‌الله در لوح مقصود می‌فرمایند، "اریاح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزايد." حضرت عبدالبهاء در منتخباتی از مکاتیب، جلد اول می‌فرمایند، "الیوم در جمیع عالم دولتی از دول مطمئن و مستریح نه زیرا امنیتی و اعتماد از بین بشر برخاسته. ملوک و مملوک کلّ در معرض خطرند." حضرت ولیّ امرالله نیز در توقیع منیع قد ظهر یوم المیعاد وضعیت جهان را "... از حیث روحانیات فقیر و از جهت اخلاقیات ورشکسته شده و از حیث سیاست متلاشی گردیده و در قسمت اجتماعی متشنج شده و از لحاظ اقتصادی امور آن فلج گردیده" بیان و توصیف میکنند.

### ۳

## بیان ویژگیهای لازم و مفید برای شناخت خصوصیات مدرنیته

علت نگارش رساله مدنیّه بیان ویژگیهای لازم و مفید برای شناخت خصوصیات مدرنیته به شاه وقت است. حضرت عبدالبهاء میفرمایند، "بر اولی الأبصار معلوم و واضح بوده که چون در این ایّام رأی جهان آرای پادشاهی بر تمدّن و ترقّی و آسایش و راحت اهالی ایران و معموریّت و آبادی بلدان قرار یافته و بصرافت طبع ید یمین رعیت پروری و عدالت گستری را از آستین همّت کامله و غیرت تامّه برآورده تا بانوار عدل آفاق ایران را محسود ممالک شرق و غرب فرماید و نشأه اولای اعصار اوّلیّه ممتازه ایران در عروق و شریان اهالی و متوطنین این دیار سریان نماید لهذا این عبد لازم دانسته که بشکرانه این همّت کلّیه مختصری در بعضی موادّ لازمه لوجه الله مرقوم نماید و از تصریح اسم خویش احتراز نموده تا واضح و مبرهن گردد که مقصدی جز خیر کل نداشته و ندارم بلکه چون دلالت بر خیر را عین عمل خیر دانسته لهذا بدین چند کلمه نصیحیه ابنای وطن خویش را چون ناصح امین لوجه الله متذکّر مینمایم و ربّ خیر

شاهد و گواه است که جز صرف خیر مقصدی نداشته چه که این آواره بادیۀ محبّۀ الله بعالمی افتاده که دست تحسین و تزییف و تصدیق و تکذیب کل کوتاه است انّما نطعمکم لوجه الله و ما نرید منکم جزاءً و لا شکوراً. " (رساله مدنیّه، صص ۷-۸)

همچنین میفرمایند، "ای اهل ایران سرگردانی تا بکی و حیرانی تا چند و اختلاف آراء و مضادّت بی فایده و بی فکری و بی خبری تا چه زمان باقی اغیار بیدار و ما بخواب غفلت گرفتار جمیع ملل در اصلاح احوال عمومیّه خود میکوشند و ما هر یک در دام هوی و هوس خود مبتلا ... " (رساله مدنیّه، صص ۱۶-۱۷)

در رساله مدنیّه مطالب بسیاری در باره ایران بیان شده است. از جمله میفرمایند: "ای اهل ایران قدری در ریاض تواریخ اعصار سالفه سیر نمائید و سر بجیب تفکر فرو برده بصر عبرت ملاحظه کنید که تماشای عظیمی است در ازمنه سابقه مملکت ایران بمنزلۀ قلب عالم و چون شمع افروخته بین انجمن آفاق منور بود عزّت و سعادتش چون صبح صادق از افق کائنات طالع و نور جهان افروز معارفش در اقطار مشارق و مغارب منتشر و ساطع آوازه جهان گیری تاجداران ایران حتی بسمع

مجاورین دایره قطبیّه رسیده و صیت سطوت ملک الملوکش ملوک یونان و رومان را خاضع و خاشع نموده بود حکمت حکومتش حکمای اعظم عالم را متحیر ساخته و قوانین سیاسیّه اش دستورالعمل کلّ ملوک قطعات اربعه عالم گشته ملت ایران مابین ملل عالم بعنوان جهان گیری ممتاز و بصفت ممدوحه تمدّن و معارف سرافراز در قطب عالم مرکز علوم و فنون جلیله بود و منبع صنایع و بدایع عظیمه و معدن فضایل و خصایل حمیده انسانیّه دانش و هوش افراد این ملت باهره حیرت بخش عقول جهانیان بود و فطانت و ذکاوت عموم این طایفه جلیله مغبوط عموم عالمیان گذشته. " (رساله مدنیّه، ص ۸-۹)

و در بیانی دیگر میفرمایند، " حال ای اهل ایران باید قدری از سکر هوی بهوش آمده و از غفلت و کاهلی بیدار گشته بنظر انصاف نظر کنیم آیا غیرت و همّت انسان قائل بر آن میشود که چنین خطّه مبارکه که منشأ تمدّن عالم و مبدأ عزّت و سعادت بنی آدم بوده و مغبوط آفاق و محسود کلّ ملل شرق و غرب امکان حال محلّ تأسف کلّ قبایل و شعوب گردد و در تواریخ اعصار حالیّه ذکر عدم مدنیّتش تا ابدالآباد در صفحه روزگار باقی با وجود آنکه ملتش اشرف ملل بوده حال باین احوال اسف اشتمال قناعت نماید و مع آنکه اقلیمش مرغوبترین کلّ اقالیم بوده حال بنکبت عدم



سعی و کوشش و نادانی بی‌معارف‌ترین کشورهای عالم  
شمرده گردد." (رساله مدنیّه، ص ۱۱)

"باری اشخاصی که گویند این افکار جدیده موافق  
حال طوایف سایره است و بمقتضیات حالیّه و روش احوال  
ایرانیّه مناسبتی ندارد فی‌الجمله ملاحظه نمینمایند که  
ممالک سایره نیز در قرون سابقه بر این منوال بوده چگونه  
این ترتیب و تنظیم و تشبّثات مدنیّه سبب ترقّی آن ممالک  
و اقالیم گشته آیا اهل اروپا از این تشبّثات ضرّی مشاهده  
نموده‌اند و یا خود بالعکس بکمال علوّ منزلت جسمانیّه نایل  
گشتند و یا آنکه چند قرن است که هیئت عمومیّه ایران بر  
روش معلوم حرکت نموده و بر اصول معتاده مشی کرده چه  
فواید و ترقّی مشهود و حاصل شد و اگر این امور تا بحال  
بمحکّ تجربه نرسیده بود محتمل که محلّ توهم بعضی  
نفوس کاهله گردد یعنی اشخاصی که شعله‌ء نورانی عقل  
هیولائی در زجاجه فطرتشان مخمود است حال نچنان  
است بلکه جزئیّات این کیفیّات تمدنیّه در ممالک سایره  
مراراً و کراراً تجربه گشته و فوایدش درجه‌ء وضوح یافته که  
هر اعمای غبی ادراک نموده.

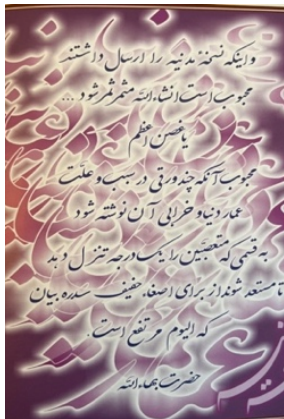
حال چشم اعتساف را بسته بنظر عدل و انصاف باید  
ملاحظه نمود که کدام یک از این اساس محکم متین و بنیان  
حصین رزین مباین مقتضیات حسنهء حالیّه و منافی لوازم

خیریه سیاسیّه ایران و مخالف صوالح مستحسنه و منافع عمومیّه جمهور است آیا توسیع دایره معارف و تشیید ارکان فنون و علوم نافعه و ترویج صنایع کامله از امور مضرّه است زیرا که افراد هیئت اجتماعیّه را از حیّز اسفل جهل باعلی افق دانش و فضل متصاعد میفرماید و یا خود تأسیس قوانین عادلّه موافق احکام الهیه که کافل سعادت بشریه است و حقوق هیئت عمومیّه را در تحت صیانت قویّه محفوظ داشته این حرّیت حقوق عمومیّه افراد اهالی مباین و مغایر فلاح و نجاج است." (رساله مدنیّه، صص ۱۷-۱۸)



«محبوب آنکه چند ورقی در سبب و علت عمار  
دنیا و خرابی آن نوشته شود.»

نوشته را با بیان حضرت بهاءالله خطاب به فرزند  
ارشد شان حضرت عبدالبهاء ادامه میدهیم که میفرمایند:  
"یا غصن اعظم، محبوب آنکه چند ورقی در سبب و علت  
عمار دنیا و خرابی آن نوشته شود بقسمیکه متعصبین را یک  
درجه تنزل دهد تا مستعد شوند از برای اصغاء حقیف سدره  
بیان که الیوم مرتفع است." (فیضی، محمدعلی؛ حیات حضرت  
عبدالبهاء؛ طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری؛ ۱۲۸ بدیع ۱۳۵۰ [ه.ش] صص  
۴۲-۴۳)



در همین جمله کوتاه چندین موضوع و کلمات کلیدی وجود دارد که می‌توان آنرا از جهات مختلف مورد بررسی قرار داد. این نوشته در باره تعدادی از آموزه های اقتصادی رساله مدنیّه است و آن هم بطور اجمالی. اقتصاد عمار و خرابی های دنیا و تعصبات ، و در رابطه با این صحبت از لحاظ اقتصادی از جمله ویژگی های مطرح شده در این بیان است که مورد توجه قرار گیرند. اشاره به اینکه حضرت بهاءالله میفرمایند چند ورقی نوشته شود، این رساله دارای صد و چهل صفحه و بیست و یک هزار کلمه است. هر چند که این رساله برای ایرانیان نوشته شده، ولی طبق این بیان که اشاره به عمار دنیا دارد می‌رساند که آموزه های این کتاب در هر زمان و برای هر کشوری که اوضاع سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - دینی و فرهنگی آن مانند ایران سال ۱۸۷۵ باشد مناسب و کاربرد دارد. البته ایران امروز هم آنچنان فرقی نکرده.

بنظر میرسد کوشش برای بهبود اقتصاد اخلاقی و روحانی با همین رساله در سال ۱۸۷۵ آغاز شده و در همین دو سه دهه اخیر نیز مشاهده میکنیم بسیاری از سازمانهای تجاری و متفکران امور اجتماعی و اقتصادی علاقه زیادی به یک اقتصاد اخلاقی ابراز داشته اند. مثلاً در سال ۱۷۷۶ و با انتشار کتاب ثروت ملل (The Wealth of Nations) اثر آدم

اسمیت (Adam Smith)، پدر اقتصاد مدرن و پایه گذار اقتصاد کلاسیک، که اقتصاد از لحاظ کاملاً مادی شناخته شده بود، و انسان بعنوان یک آدم پول محور، امروزه دیدگاه تغییر کرده و تعدادی از علمای علوم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی از یک اقتصاد اخلاقی صحبت میکنند. کلمه عمار که عبارت از عمران و آبادانی است از سال ۱۹۹۲ توسط سازمان ملل متحد تحت عنوان رشد اقتصاد بادوام و یا پایدار (Sustainable Development) نیز مطرح شد و امروزه یکی از اهداف دولتها و سازمانهای تجاری و از مهمترین عوامل اصلاحات در هر کشور بشمار می آید. هر چند که امروزه اقداماتی در باره اهمیت اقتصاد اخلاقی و اصلاحات عمران و آبادانی بچشم میخورد، در عین حال هم خرابی های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارد و حتی افزایش هم یافته است. بیت العدل اعظم در پیام اول مارس ۲۰۱۷، به سه نوع خرابی نابرابری، تبعیض، و استثمار که آفت جان بشریت است اشاره دارند. امروزه با انواع خرابی های دیگر بعنوان امراض اجتماعی آشنایی داریم از قبیل آلودگی محیط زیست، انواع تعصبات، فقر و نابرابری، بیکاری و بخصوص در میان طبقه جوان، نبود فرصتهای مناسب برای توانمند سازی زنان و اقلیتهای قومی و مذهبی، و مشکلات خانودگی. و لذا

آموزه های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - زیست محیطی  
و اخلاقی رساله مدنیّه همه این جوانب را در بر میگیرد.



## نظریه رشد و توسعه اقتصادی

موضوع مهمی که در این رساله به چشم می خورد در رابطه با دو اصطلاح رشد و توسعه است. هرچند که این دو کلمه اکثراً با هم استفاده می شوند ولی در معنی و کاربرد متفاوت هستند. رشد در رابطه با کمیت است یعنی در رابطه با سنجش و یا اندازه گیری یک نوع فعالیت اقتصادی. مثلاً گفته میشود که رشد اقتصادی دو در صد در حال کاهش یا افزایش است، این را میتوان توسط سنجشی مانند تولید ناخالص داخلی که از طریق ارزش پولی محاسبه میشود سنجید. اینگونه فعالیتها در رابطه با رشد است. ولی توسعه در رابطه با اصلاحات و رفاه کل جامعه است. جوامع در پی بهبود شرایط موجودشان می باشند و در واقع در پی ایجاد دگرگونی هایی بدین منظور هستند. در لغت توسعه به معنای پشت سر گذاشتن دوران سنتی و ورود به مرحله ی متجدد شدن را می توان به مفهوم کلی آن در نظر گرفت؛ اینکه توسعه یک مقوله ی ارزشی، چند بُعدی و پیچیده است که رابطه ی نزدیکی با بهبود دارد. در رساله مدنیّه، حضرت عبدالبهاء از توسعه در جامعه ایران

صحبت میکنند و آموزه های پیشنهاد می کنند که چگونه رفاه کلی جامعه به وجود آید، مانند اهمیت آموزش و پرورش، عدالت و برابری، آزادی و دموکراسی، رفاه و سعادت برای عموم مردم، و حقوق حقه شهروندان و از این گونه موضوعات که نبود آنها در ایران مشاهده میشود. البته وقتی که جامعه به رفاه کلی برسد، خود به خود در رشد جامعه نیز تأثیر خواهد گذاشت، مانند کاهش بیکاری، رشد اقتصادی، تجارت بین المللی و از این نوع فعالیتها که قابل سنجش و یا اندازه گیری میباشد، و در عین حال از جنبه کیفیتی نیز برخوردارند. لذا آموزه حضرت عبدالبهاء در رفاه کل جامعه ایران هست که باعث هر دو رشد و توسعه میشود. در این بیان میفرمایند، "و ثالث صفت کمالیه بصدق طویّت و خلوص نیت بتربیت جمهور پرداخته در تعلیم معارف عمومیّه و تدریس علوم نافعّه و تشویق بر ترقیّات عصریّه و تحریص بر توسیع دوایر صنایع و تجارت و ترغیب اتّخاذ وسایل ثروت اهالی مملکت بذل جهد بلیغ و سعی منیع نمودن است چه که عموم ناس از این امور مهمّه که علت مزمنه هیئت اجتماعیّه را برء فوریت بی‌خبرند." (رساله مدنیّه، ص ۴۷)

و نیز میفرمایند: "شرف و بزرگواری انسان ... سبب بلنداختری و جوان‌بختی صیت عدالت‌پروری و دلجوئی



عموم رعایا از اعالی و ادانی و تعمیر ممالک و مدن و قرا و حوالی و نواحی و ترفیه و ترویج بندگان الهی و وضع اسّ اساس اصول ترقّی و توسیع حال جمهور و تزئید ثروت و غنای عمومیست." (رساله مدنیّه، ص ۷۹)

در این بیانات حضرت عبدالبهاء به رفاه کل جامعه که اساس ترقّی و پیشرفت است اشاره دارند. در خیلی از کشورها هنوز مشکل توسعه وجود دارد و از لحاظ رفاه و سطح ایده آل زندگی با چالشهای فراوانی روبرو هستند، مثلا بخشی از یک کشور غنی تر از بخش دیگر است، و یا ما با اصطلاحاتی مانند پایین شهر و بالای شهر آشنایی داریم. در کشور بریتانیا جنوب کشور غنی تر و دارای رشد و توسعه بیشتر نسبت به شمال کشور است. در بعضی از کشورها مانند ایران طبقه متوسط در حال از بین رفتن است و فقط طبقه غنی و فقیر میماند، و این یک چالش بزرگ اقتصادی و اجتماعی محسوب میشود. لذا، حضرت عبدالبهاء در این رساله از ترقّی و توسیع حال جمهور و غنای عمومی صحبت میکنند که بیشتر در باره رفاه و سطح زندگی خوب برای همه مردم است و نه فقط عده ای محدود. در صفحه ۱۳۶ رساله چنین میفرمایند: "لازم است که در خود ایران مدبران مملکت جهد بلیغ نموده ایجاد اصلاحاتی نمایند که موافق حال این بلاد باشد اول بیان کنند که مضرت از چه جهت

است. آیا عمار ممالک و تعمیر مسالک و توسّل بوسایل تقویت ضعفها و احیاء فقرا و ترتیب اسباب ترقی جمهور و تکثیر موادّ ثروت عموم و توسیع دایرهٔ معارف و تنظیم حکومت و امنیّت جان و مال و عرض و ناموس مغایر حال اهل ایران است و آنچه غیر از امثال این امور است مضرتش در هر مملکت واضح و هویداست اختصاص بمکانی دون مکان ندارد."

جامعهٔ بهائی نه تنها در ایران بلکه در سطح جهانی با سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که به افزایش رفاه کلیه شهروندان منجر می‌شود قدم‌هایی برداشته است. سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعهٔ اجتماعی - اقتصادی نیازهای جوامع را مدّ نظر قرار می‌دهد و در ضمن در رشد اقتصادی درازمدّت نیز مؤثر است. بهائیان در اطراف و اکناف دنیا صدها طرح را اجرا کرده‌اند که دامنه‌ای از طرح‌های کشاورزی و سرمایه‌گذاری‌های خرد گرفته تا مدارس ابتدایی، کارزارهای مصون‌سازی، و درختکاری کوتاه‌مدّت و طرح‌های نظافت و پاکسازی دارد. جامعهٔ بهائی همچنین عملیاتی جهانی در زمینه‌های سوادآموزی، مراقبت‌های اولیهٔ بهداشتی، و ترقی نسوان اجرا کرده است. طرح‌هایی که اینک در آفریقا، آسیا، و آمریکای جنوبی در دست اجرا دارد نشان دهندهٔ توان بالقوه برای اجرای

گسترده برنامه‌های توسعه از طریق شبکه جهانی جوامع بهائی است. این طرح‌ها در سطح عامه مردم با مشارکت کامل زنان و مردان در امر تصمیم‌گیری اجرا و هماهنگی می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها در مناطقی که منازعات دینی و نژادی اعضا این جوامع را مدتهای مدید جدا کرده، بر صلح و ثبات در میان مردمان اثر مثبت داشته است. اگر جامعه کوچکی مانند جامعه بهائیان با منابع بسیار محدود دارای چنین تأثیر بارز و چشمگیری بر زندگی مردم است، مسلماً دولت‌ها و سازمان‌ها که منابع عظیم و گسترده‌ای در اختیار آنها است می‌توانند تأثیر به مراتب بیشتر بگذارند.



## ۶

### نظریه در باره مفهوم ثروت

یکی از بنیادی ترین چیزهایی که می تواند در روند اقتصادی یک جامعه تاثیرگذار باشد، نگرش و بینشی است که آن جامعه درباره ثروت و کسب ثروت دارد. این موضوع نیز به ارزش های بنیادین جامعه باز می گردد. در برخی جوامع مردم معتقدند که انسانها هر چه فقیرتر باشند به خدا نزدیک تر هستند و کسب ثروت انسان را از دین و الهیات دور می کند. اگرچه این نوع نگرش در جامعه ما اکنون کم رنگ شده اما اگر به وضعیت اسفبار اقتصادی و اجتماعی دوران قاجار نگاه کنیم ردپای این نگرش را می توانیم ببینیم. در چنین جوامعی تلاش برای کسب ثروت شاید مقبوح نباشد اما تشویق هم نشده است.

جایی در رساله مدنیّه یافت نمی شود که کلمات "ثروت" و "غنا" همراه کلماتی که دلالت بر عموم مردم کند، نباشند. از جمله این ترکیبات عبارتند از:

- "تزیید ثروت امت" ص ۱۹
- "ثروت و وسعت عموم افراد اهالی" ص ۲۶

- "غناى جمهور رعايا" ص ۲۶
- "ثروت و آسایش رعیت" ص ۲۸
- "ثروت اهالی مملکت" ص ۴۷
- "ثروت و غناى عمومى" ص ۷۹
- "تکثیر وسائط ثروت ملت" ص ۱۲۰
- "غنا و توانگری عموم ملت" ص ۱۲۰
- "تکثیر مواد ثروت عموم" ص ۱۳۶

ثروت در آثار بهائی نهی نشده است بلکه در تلاش است تا سیستمی عادلانه تر را برای توزیع و کسب ثروت ارائه دهد. سیستمی که در آن به گفته حضرت عبدالبهاء "هیئت جمعیت ملت غنی باشد" (رساله مدنیّه ص ۳۱) نه این که "اشخاص معدوده غناى فاحش داشته و سائرین محتاج و مفتقر" (رساله مدنیّه ص ۳۱) و همچنین این طور نباشد که "از آن غنا اثر و ثمری حاصل نشود" (رساله مدنیّه ص ۳۱). نظریه حضرت عبدالبهاء این است که ثروت باید در جهت "منافع عمومیه" (رساله مدنیّه ص ۳۲) صرف شود، در غیر این صورت این ثروت نه تنها وسیله ای برای آسایش نخواهد بود، بلکه هدفی برای ارضای شهواتی خواهد بود که به بی عدالتی دامن می زنند.

"... همچو ظنّ و گمان نرود که مقصود از این کلمات مذمت غنا و مدح فقر و احتیاج است بلکه غنا منتهای ممدوحیّت را داشته اگر بسی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت بفضل الهی حاصل گردد و در امور خیریه صرف شود و علی الخصوص اگر شخصی عاقل و مدبّر تشبّث بوسایلی نماید که جمهور اهالی بثروت و غنای کَلّی برسند همّتی اعظم از این نه و عندالله اکبر ثوابت بوده و هست چه که این بلندهمّت سبب آسایش و راحت و سدّ احتیاجات جمع غفیری از عباد حقّ گردد. ثروت و غنا بسیار ممدوح اگر هیئت جمعیت ملت غنی باشد ولکن اگر اشخاص معدوده غنای فاحش داشته و سایرین محتاج و مفتقر و از آن غنا اثر و ثمری حاصل نشود این غنا از برای آن غنی خسران مبین است ولی اگر در ترویج معارف و تأسّیس مکاتب ابتدائیه و مدارس صنایع و تربیت ایتم و مساکین خلاصه در منافع عمومیه صرف نماید آن شخص عند الحقّ و الخلق بزرگوارترین سگان زمین و از اهل اعلیٰ علیّین محسوب." (رساله مدنیّه صص ۳۱-۳۲)

از اینرو ملاحظه میکنیم که در رساله مدنیّه، نگرشی کاملاً متفاوت به ثروت را شاهد هستیم. طبق این نظریه، شرط اوّل کسب ثروت این است که با تلاش خود انسان بدست آید. این امر بر لزوم کار و اینکه انسان میبایست

عضوی فعال و سازنده در جامعه باشد تاکید می کند. شرط دوم این است که ثروت به دست آمده صرف فعالیت های خیرخواهانه و بشردوستانه شود و بدین وسیله جامعه را به سمت فرهنگ اعمال خیرخواهانه و انسان دوستانه سوق میدهد. در این تعبیر، حضرت عبدالبهاء اگر چه کسب غنا را «ممدوح» میدانند ولی برای آن شروطی قائل می شوند، و نه تنها ثروت را محکوم نمیکنند بلکه ایرانیان را به دوری از رخوت و سستی و تلاش برای کسب ثروت و پیشرفت تشویق مینمایند.

همچنین حضرت عبدالبهاء تعبیر دیگری از ثروت را بیان میدارند و آن اینکه "عزّت و سعادت و بزرگواری و منقبت و تلذذ و راحت انسان در ثروت ذاتیه<sup>۱</sup> خود نبوده بلکه در علو فطرت و سمو همّت و وسعت معلومات و حلّ مشکلاتست." (رساله مدنیّه ص ۳۰)

در صفحه ۳۱ رساله مدنیّه میفرمایند: «غنا منتهای ممدوحیّت را داشته اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت بفصل الهی حاصل گردد.» چرا مثالهایی مانند تجارت و زراعت و صناعت میزنند؟ موضوع کشش پذیری در اقتصاد این است که شغلهایی با کشش پذیری پایین ارزش بیشتری دارند و یا در گروه

ضروریات هستند و از اینرو از درآمد بالاتری برخوردارند. اکثر کارهای صنعتی و کشاورزی از این طبقه میباشند.

دیدگاه اقتصادی: تجارت، زراعت، و صناعت  
مواردی هستند که تقویت آنها می تواند موجب به گردش در آوردن چرخ تولید و رشد و پیشرفت اقتصادی یک کشور شود. در رساله مدنیّه ایرانیان تشویق میشوند تا معادن متروکه را به راه اندازند و کارخانه و تجارتخانه ایجاد کنند و کالا تولید کنند. حضرت عبدالبهاء اشغال معادن متروکه را "اعظم وسایط ثروت دولت و ملت" و ایجاد کارخانه ها را "منبع آسایش و راحت و باعث غنا و توانگری عموم ملت" (ص ۳۰) میدانند و ایرانیان را تشویق می فرمایند تا صنایع جدید تاسیس کنند، زراعت را گسترش دهند، معادن را استخراج کنند، با امم مجاوره اتحاد حاصل کنند و دایره تجارت را با شرق و غرب گسترش دهند. با نگاهی به بازار کار، نوع مشاغلی را که حضرت عبدالبهاء به آنها اشاره دارند از دستمزد و درآمد بالاتری برخوردارند و باعث افزایش ثروت برای افراد و هم برای کل کشور میشوند. در بازار کار شغلهایی که فنی و مهارتی و یا تخصصی هستند از درآمد بالاتری برخوردارند. در علم اقتصاد بحثی است تحت عنوان "کشش پذیری - elasticity" و شامل بخشهایی در سطح پایین و بالا میباشد. کشش پذیری پایین تر (inelastic)،



یعنی شغل‌هایی که تخصصی و مهارتی هستند و یا دارای تقاضای بیشتری میباشند. اینگونه شغلها از درآمد بالاتری هم برخوردارند. جالب اینکه حضرت عبدالبهاء ایرانیان را به اینگونه شغلها تشویق میکنند.

مواردی که حضرت عبدالبهاء در سال ۱۸۷۵ ایرانیان را به آن تشویق کرده اند، همگی می توانند باعث رشد و توسعه اقتصادی یک کشور شوند. وقتی افراد بیشتری مشغول به کار شوند و درآمد کسب کنند، تقاضای کل بالا می رود و از آن طرف افزایش تجارت با ملل شرق و غرب و ایجاد صنایع و تولید محصولات و گسترش زراعت باعث افزایش عرضه کل میشود و در نهایت منجر به رشد و توسعه کشور میگردد. آیا به نظر نمایاید که این رساله برای امروز کشور عزیزمان ایران و یا هر کشور دیگری که دارای خصوصیات ایران است کار برد دارد؟



## ۷

### نظریه اهمیّت صرف ثروت در امور خیریّه

توصیۀ حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه این است که ثروت در امور خیریّه و در راه ترویج معارف و تأسیس مدارس و صنایع و پیشبرد تعلیم و تربیت و به طور کلی در جهت منافع عمومی صرف شود. در این بیان میفرمایند: "شرافت و مفخرت انسان در آن است که بین ملاً امکان منشأ خیری گردد در عالم وجود آیا نعمتی اعظم از آن متصوّر است که انسان چون در خود نگرد مشاهده کند که بتوفیقات الهیّه سبب آسایش و راحت و سعادت و منفعت هیئت بشریّه است لا والله بلکه لذّت و سعادتِ اتمّ و اکبر از این نه... پروردگار چشم عنایت فرموده که در آفاق بنگریم و آنچه وسیله تمدّن و انسانیت است بآن تشبّث نمائیم و گوش احسان شده تا کلمات حکمیّه عقلا و دانایان را استماع نموده و پند گرفته کمر همّت باجرای مقتضیات آن بر بندیم حواس و قوای باطنیّه اعطا گشته که در امور خیریّه جمعیت بشریت صرف نمائیم... انسان شریف و عزیز است اگر بآنچه باید و شاید قیام نماید و چه قدر ذلیل و ذلیل است اگر از منفعت جمهور چشم پوشیده در فکر

منافع ذاتیه و اغراض شخصیه خود عمر گرانمایه را بگذرانند  
اعظم سعادت سعادت انسانیه و اوست مدرک حقایق  
آیات آفاقیه و انفسیه اگر سمنند همّت بی همتا را در میدان  
عدل و تمدّن جولان دهد. " (رساله مدنیّه، صص ۴-۵)

برای اینکه دنیا را به مکانی بهتر برای همه تبدیل کنیم،  
همه ما باید نقش خود را به هر نحوی که می توانیم انجام  
دهیم. برای این منظور اقدامات خیرخواهانه و بشردوستانه  
یک راه موثر است. این میتواند اشکال مختلفی داشته باشد،  
از جمله از طریق خدمات داوطلبانه، ارائه مهارتها و توانایی  
های حرفه ای خود به کسانی که به کمک ما نیاز دارند،  
همچنین کمک به یک سازمان خیریه و بسیاری موارد دیگر.  
در حالیکه ما دوست داریم باور کنیم که میتوانیم به تنهایی  
تفاوت ایجاد کنیم و باعث ساختن دنیایی بهتر شویم، گاهی  
اوقات میتوانیم کارهای بیشتری را با هم انجام دهیم. کمک  
به اهدافی که به آنها اهمیت میدهیم نه تنها برای کسانی که  
دریافت میکنند بلکه برای خودمان نیز میتواند بسیار مفید  
باشد. لذا، اقدامات بشردوستانه و خیرخواهانه بصورتهای  
مختلف برای همه شرکت کنندگان خوشحال کننده و تغییر  
دهنده زندگی است.

## ۸

### نظریه تربیت اطفال در صغر سنّ

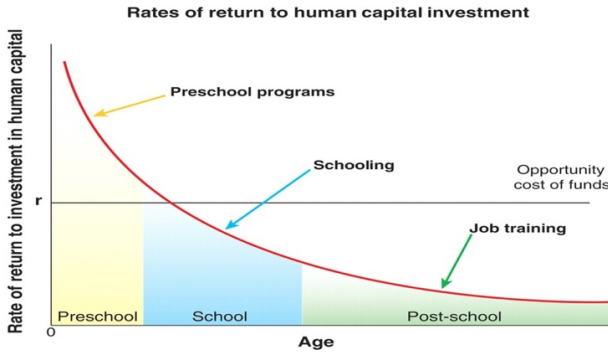
لزوم تعلیم و تربیت از بحثهای مهم در رساله مدنیّه است خصوصاً تربیت اطفال از صغر سنّ صحبت میکنند. مثلاً میفرمایند: "ملاحظه مینمائیم که از اطفال در صغر سنّ آثار تعدّی و تجاوز ظاهر و اگر از تربیت مرّبی محروم ماند آنآ فآناً شیم غیر مرضیّته اش تزیاد یابد..." (رساله مدنیّه، ص ۱۱۰)

آموزه ای که حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه به آن بسیار تاکید می فرمایند توسیع دایره معارف و علوم و فنون و تعلیم و تربیت اطفال است. به خصوص در جایی اشاره می کنند که باید در سراسر ایران مکتب های متعدّد تاسیس شود و اطفال حتی اگر لازم باشد به اجبار، تشویق شوند تا سواد خواندن و نوشتن را فراگیرند (ص ۳۲). خطاب به ایرانیان می فرمایند: "الزم امور و اقدم تشبّثات لازمه توسیع دائره معارف است و از هیچ ملّتی نجاه و فلاح بدون ترقّی این امر اهمّ اقوم متصوّر نه؛ چنانچه باعث اعظم تنزل و تنزل ملل جهل و نادانی است." (رساله مدنیّه، ص ۱۲۹) این

تاکید حضرت عبدالبهاء بر افزایش سواد و آگاهی جامعه نه تنها تاثیرات عدیده اجتماعی و سیاسی، بلکه تاثیرات اقتصادی نیز در جامعه دارد. به این طریق که افرادی که سواد و آگاهی بیشتری دارند نیروی کار ماهرتر و بهتری را عرضه خواهند کرد. یکی از سیاست های کاهش بیکاری در سمت تقاضا این است که افراد جامعه را آموزش دهیم و تربیت کنیم تا برای مشاغل بازار کار آماده شوند. علی الخصوص تاکیدی که حضرت عبدالبهاء بر آموزش اطفال دارند دیدگاه مهمی از نظر اقتصادی است.

### سرمایه گذاری در آموزش و پرورش اطفال در تحقیقات پروفسور جیمز هکمن

جیمز هکمن (James Heckman) استاد اقتصاد و برنده جایزه نوبل معتقد است که سرمایه گذاری بر آموزش اطفال در درازمدت به رفاه جامعه کمک می کند و باعث افزایش ثروت ملی یک کشور در درازمدت می شود. میتوان گفت که آموزش کودکان شکاف موفقیت را از بین می برد.



منحنی همگن و بازده سرمایه گذاری بر آموزش اطفال در درآمدت

متجربین در علوم سیاسی و اقتصادی و آموزش و پرورش از جمله جیمز همگن بر این باورند که سرمایه گذاری در امور آموزش و پرورش در بلند-مدت به رفاه کل جامعه کمک میکند و در افزایش سرمایه ملی یک کشور مؤثر میباشد.

در منحنی همگن:

محور عمودی: نرخ بازدهی سرمایه گذاری بر سرمایه

انسانی

محور افقی: سن

بازده اقتصادی افزایش سرمایه گذاری در آموزش و تحصیل در دوران کودکی موجب ایجاد بازده اجتماعی سالانه ای بین هفت تا ده درصد می شود که دو درصد بیش از بازده بازار سهام است. مثلاً اگر شما صد دلار داشته

باشید و میخواهید این مقدار را سرمایه گذاری کنید. یک راه این است که در بانک پس انداز کنید که مقدار کمی بهره به آن تعلق می گیرد. راه دیگر این است که از بازار سهام سهمی بخرید که معمولاً نسبت به بهره بانکی خیلی بالاتر است. هکمن میگوید که اگر پول خودتان را سرمایه گذاری روی آموزش و پرورش کودکان بکنید، دو درصد بالاتر از سود سهام نسیب شما میشود. لذا، دلایل زیادی برای اهمیت سرمایه گذاری در آموزش و پرورش اطفال وجود دارد که باعث رشد و توسعه اقتصادی میشود، و این تاکید حضرت عبدالبهاء بر تعلیم و تربیت اطفال از صغر سن دیدگاه مهمی از نظر اقتصاديست.

یکی از خصوصیات مهم سرمایه گذاری روی آموزش و پرورش در دوران کودکی این است که وقتی این کودکان به سنی رسیدند که میبایست وارد بازار کار شوند با اصول اخلاقی آشنا شده و آنها را در کار و پیشه خود بکار میبرند. این گونه افراد زود بعنوان افرادی با اعتبار شناخته میشوند؛ و در فعالیتهای اقتصادی آن گونه کالا و خدماتی را تولید و وارد بازار میکنند که شایسته مقام والای انسان است. از اینرو، منابع کمبود کره زمین حفظ شده و نسل های آینده نیز از آن بهره مند میشوند. همچنین، این گونه افراد وقتی

مدیران و کارفرمایان سازمانهای تجاری شوند اهدافی برای کمپانی در نظر میگیرند که هم منطقی است و هم اخلاقی.

اشاره به دو بیان دیگر در باره اهمیّت لزوم تعلیم و تربیت در رساله مدنیّه میشود، میفرمایند: "از جمله اموری که محتاج اصلاحات تامّه کامله است طریق تعلّم علوم و ترتیب تحصیل معارف و فنون است." (رساله مدنیّه، ص ۱۲۴) و "الزم امور و اقدم تشبّثات لازمه توسیع دایره معارف است و از هیچ ملّتی نجاح و فلاح بدون ترقّی این امر اهمّ اقوم متصوّر نه چنانچه باعث اعظم تنزل و تزلزل ملل جهل و نادانی است." (رساله مدنیّه، ص ۱۲۹)

آموزش و پرورش را می توان به عنوان موجودی مهارت ها، قابلیت ها و سایر عوامل افزایش دهنده بهره وری تعریف کرد که برخی از ویژگی های رشد و توسعه اقتصادی هستند. به طور کلی، آموزش یک جزء حیاتی از سرمایه انسانی یک کشور است، و کارایی هر فرد را افزایش می دهد، و به تمامی اقتصاد کمک میکند. بدون آموزش صحیح انسان قادر نخواهد بود از سایر منابع بطور بهینه استفاده کند. سرمایه انسانی همیشه متمایزترین ویژگی هر نظام اقتصادی در نظر گرفته شده است. تاریخ کشورهای پیشرفته تر تأثیر



حیاتی آموزش و پرورش بر بهبود بهره وری و رشد را ثابت کرده است.

سرمایه گذاری برای ایجاد پیشرفت اقتصادی در هر کشور و در هر زمان لازم است. سرمایه گذاری در همه جنبه ها از جمله هزینه هایی که منجر به نگهداری، بقاء، افزایش ظرفیت تولید، انواع تجهیزات و توسعه منابع طبیعی میشود، ضروری است. لازم به ذکر است که هزینه ها از حوزه مادی یا فیزیکی فراتر میروند و شامل توسعه منابع انسانی، تحقیق و توسعه، آموزش، کارآموزی و بهداشت و سلامتی نیز میشوند. ضروری ترین اقدامی که در رابطه با رشد و توسعه اقتصادی باید انجام شود، سرمایه گذاری در منابع انسانی برای افزایش سرمایه یک ملت است. دلیل اصلی پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه کمبود افراد تحصیل کرده، متخصص و ماهر است. تا زمانی که سطح مهارت و حرفه ای بودن نیروی کار ارتقا پیدا نکند، بهره وری و کارایی نیروی کار در سطح پایینی باقی میماند. از این رو، آموزش افراد نقش حیاتی در رشد و توسعه اقتصادی یک کشور در ایجاد افراد ماهر دارد. افراد هر جامعه نقش بسزایی در روند رشد و توسعه دارند. توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به افراد آن جامعه بستگی دارد و باید دارای ویژگی هایی باشد که بخش عمده

ای از آن را آموزش ایجاد می کند. هیچ چیزی به اندازه سرمایه گذاری در آموزش و پرورش انسان را به سعادت و کمال نمی رساند. با توجه به بررسی تأثیر و نقش آموزش بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، نتایج حاصل شده است که آموزش یکی از دلایل اصلی رشد و توسعه اقتصادیست. رشد اقتصادی علاوه بر عوامل تولید به ارتقای کیفیت نیروی کار، پیشرفت فناوری و آموزش بستگی دارد. امروزه مشخص شده است که بین تحصیلات و درآمد افراد رابطه قابل توجهی وجود دارد. هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد، درآمد بیشتر است. آموزش بیشتر، مهارت های بالاتری را برای افراد به ارمغان می آورد که در زمینه تولید کالاها و خدماتی است که وضعیت بازار را تثبیت کرده و رشد اقتصادی را تسریع می کند.



## نظریه تکثیر وسائط ثروت ملت بواسطه تعلّم فنون مفیده

حضرت عبدالبهاء میفرمایند "تعلّم فنون مفیده و اکتساب معارف عمومیّه و اطلاع بر حقایق حکمت طبیعیّه نافعه و توسیع دائره صنایع و تزئید موادّ تجارت و تکثیر وسائط ثروت ملت... " (رساله مدنیّه، ص ۱۲۰). از دیدگاه اقتصادی دو واژه "تزیید" و "تکثیر" احتیاج به توضیح دارد. یکی از نظریات اقتصادی که در سال ۱۹۳۶ توسط جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) برنده جایزه نوبل معرفی شد به نام تاثیر افزاینده (Multiplier Effect) است. مثلاً اگر سطح سرمایه گذاری در آموزش و پرورش را افزایش دهیم یک نوع تاثیر افزاینده در تولید ناخالص داخلی و از این طریق در رشد اقتصادی خواهد داشت. قابل توجه است که حضرت عبدالبهاء در سال ۱۸۷۵ اثرات و اهمیّت کسب علوم و فنون مفیده را به تاثیر افزاینده ربط داده اند و در رساله مدنیّه از تکثیر ثروت ملت صحبت میکنند. ایشان می فرمایند، «تعلّم فنون مفیده و اکتساب معارف عمومیّه و اطلاع بر حقایق حکمت طبیعیّه نافعه و توسیع دائره صنایع و تزئید موادّ تجارت و تکثیر وسائط ثروت

ملت...» سرمایه گذاری در علوم و فنون مفیده و یادگیری مهارت ها به ایجاد تخصص منجر شده و این نیز تاثیری عظیم بر درآمد ملی کشور خواهد داشت.

برای توضیح بیشتر مثالی آورده می شود. مثلاً اگر سرمایه گذاری در آموزش و پرورش به مقدار صد دلار افزایش یابد، تولید ناخالص داخلی نیز میبایست به همان مقدار افزایش یابد. حال آنکه در "اثر افزایشنده"، نظریه این است که اگر سرمایه گذاری را به مقدار صد دلار افزایش دهیم تولید ناخالص داخلی با یک ضریب از صد افزایش خواهد یافت. مثلاً اگر سرمایه گذاری در آموزش و پرورش صد دلار افزایش یابد تولید ناخالص داخلی ممکن است دوپست و یا سیصد دلار افزایش یابد. بعبارت دیگر فعالیتهای اقتصادی با یک ضریب دو یا سه و یا حتی بیشتر افزایش میابد. در این صورت یک تاثیر افزایشنده برای سطح زندگی همه مردم در یک کشور خواهد داشت .

مثال دیگری که خود شاهد آن بودم در رابطه با کشور بنگلادش است. در اوایل سالهای ۱۹۸۰ چندین مدرسه در سطح روستاها از طرف جامعه بهائی تأسیس شد. این تأسیسات آموزشی در دراز مدت فعالیت اقتصادی شایانی نه فقط برای اهالی روستا داشتند بلکه

کمک به رشد اقتصادی جامعه محلی و حتی کل کشور نمودند. لذا تاثیر افزاینده سرمایه گذاری روی آموزش و پرورش باعث میشود تولید ناخالص داخلی و از این طریق رشد اقتصادی یک کشور افزایش یابد.

ویژگی های متمایز جامعه بهائی در ایران مثال دیگری است. این نیز که بیشتر از اوایل قرن بیستم آغاز شد به رشد و توسعه اقتصادی کشور ایران کمک شایانی نمود. بعضی از این ویژگی ها عبارتند از: آموزش و پرورش عمومی و اجباری، توانمندی زنان، کار به عنوان عبادت، روش مشورتی در اتخاذ تصمیم گیری، رابطه درست میان کارگر و کارفرما، تعاون به جای رقابت بیرحمانه، و نوآوری و فناوری در صنعت و کشاورزی. اینها از جمله ویژگی هایی بودند که به رشد و توسعه اقتصادی جامعه بهائی کمک نمود و در نتیجه بهاییان از یک رفاه نسبی (تا قبل از انقلاب اسلامی) برخوردار بوند.



## ۱۰.

نظریه عزّت و سعادت هر ملّتی در آن است که از  
افق معارف چون شمس مشرق گردند."

نظریه "بدیده" بصیرت ملاحظه نمائید که این آثار و  
افکار و معارف و فنون و حکم و علوم و صنایع و بدایع  
مختلفه متنوّعه کل از فیوضات عقل و دانش است هر  
طایفه و قبیله‌ئی که در این بحر بی‌پایان بیشتر تعمّق نمودند  
از سایر قبایل و ملل بیشترند عزّت و سعادت هر ملّتی در آن  
است که از افق معارف چون شمس مشرق گردند." (رساله  
مدنیّه، ص ۴) در این بیان حضرت عبدالبهاء اشاره دارند که  
"هر طایفه و قبیله‌ئی که در این بحر بی‌پایان بیشتر تعمّق  
نمودند از سایر قبایل و ملل بیشترند". با نگاهی به کشورهای  
که دارای چنین شرایطی بوده اند دیده میشود که از لحاظ  
پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خلاق تر و دارای رفاه بیشتر  
گشته اند. نمونه ای از آن که در رساله مدنیّه از آن نام برده  
شده کشور ژاپن است که میفرمایند چشم های خود را باز  
کرده و فنون پیشرفت و تمدن معاصر را پذیرفته و علوم و  
صنایع مورد استفاده را برای عموم ترویج می کند.

در باره ژاپن و یا ژوپان میفرمایند، "و از این حکایت عجیب‌تر آنکه حکومت ژوپان در اصل تابع و در تحت حمایت حکومت چین بود چند سال است که چشم و گوش باز کرده تشبّث بوسایل ترقی و تمدّات عصریّه و ترویج معارف و صنایع عمومیّه نموده بقدر اقتدار و استطاعت جهد و کوشش کرده تا آنکه افکار عمومیّه متوجّه اصلاح گشته علی‌العجاله حکومتش بمقامی رسیده که با وجود آنکه نفوس آن مملکت تقریباً سدس بلکه عشر اهالی حکومت چین است در این ایّام با دولت چین مقابلی نمود بالأخره حکومت چین مجبور بمصالحه گشت دقت نمائید که چگونه معارف و تمدّن سبب عزّت و سعادت و حرّیت و آزادی حکومت و ملت میشود. " (رساله مدنیّه، صص ۱۳۱-۱۳۲)

و اما چرا ژاپن مورد نظر حضرت عبدالبهاء است؟  
 هنگامی که حضرت عبدالبهاء مشاهدات خود را در مورد ژاپن انجام دادند، معلوم نبود اقتصاد این کشور در آینده چگونه خواهد بود. برای نشان دادن اهمیّت توصیه حضرت عبدالبهاء به ایرانیان، این واقعیت را در نظر بگیرید که درآمد سرانه هر دو کشور ایران و ژاپن در سال ۱۹۵۰ برابر با ۱۹۰۰ دلار اندازه گیری شده، با دلار سال پایه (۱۹۹۰). یعنی در سال ۱۹۵۰ درآمد سرانه هر دو کشور

برابر بوده است. تا سال ۱۹۹۰، درآمد سرانه ایران تقریباً دو برابر شده بود (۳۷۰۰ دلار)، در حالی که درآمد سرانه ژاپن ده برابر شده بود و به ۱۹۰۰۰ دلار رسیده بود. در آمد سرانه در رابطه با فعالیتهای اقتصادی یک کشور است. در مورد ایران و ژاپن باید این واقعیت را در نظر داشت که ایران دارای منابع طبیعی از جمله نفت و گاز است و ژاپن محروم از آن.

هر چند در آن زمان ایرانیان به نصایح حضرت عبدالبهاء گوش نکردند ولی جامعه بهائی بخصوص از اوایل قرن بیستم تعدادی از آموزه های رساله مدنیّه را به مرحله عمل در آوردند. از جمله:

- اهمیت آموزش و پرورش اجباری
- اهمیت بهداشت و سلامتی
- قابلیت تولید بیشتر
- اهمیت تکنولوژی مدرن و پیشرفته
- اهمیت کشاورزی
- اهمیت کارخانجات صنعتی و تولیدی
- نو آوری
- اهمیت به هنر و موسیقی
- سرمایه گذاری در همه قسمتهای بالا



این آموزه ها باعث یک رفاه نسبی برای جامعه بهائی و جامعه گسترده تر در ایران شد.

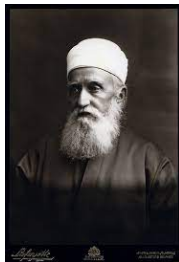
حضرت عبدالبهاء راجع به کشور چین هم صحبت میکنند. میفرمایند، "ملاحظه فرمائید که قَلّت معارف بچه مثابه باعث ذلّت و حقارت ملّت میشود الیوم اعظم طوایف و ملل عالم از جهت کثرت نفوس ملّت چین است که هشتصد کرور و کسری نفوس اهالی است و از این جهت باید که دولتش سرافرازترین دول و ملّتش مشهورترین ملل عالم باشد و حال بالعکس بجهت عدم معارف و تمدّن ادبی و مادّی ضعیف و بی پاترین ملل و دول ضعیفه است چنانچه مدّت قلیله ئی قبل از این عساکر قلیلی از انگلیس و فرانسه با او محاربه نموده بقسمی دولت چین شکست خورد که پای تختش را که مسّی به پکین است فتح نمودند حال اگر دولت و ملّت چین در درجات عالیّه معارف عصریّه متصاعد و بفنون تمدّن متفتّن بودند اگر کلّ دول عالم بر او هجوم می نمودند البتّه عاجز گشته خائباً خاسراً مراجعت می نمودند." (رساله مدنیّه، صص ۱۳۰-۱۳۱)

البته توجه داشته باشیم که این بیان در سال ۱۸۷۵ هست و کشور چین دارای اقتصادی عقب افتاده بوده و حضرت عبدالبهاء به این موضوع اشاره فرموده اند.

امروزه اقتصاد چین از یک نظام کاملاً دستوری به یک نظام ترکیبی اقتصادی که شامل سرمایه داری هم میشود دست یافته اند. و در همین دو سه دهه اخیر بیش از پانصد میلیون نفر در این کشور از فقر مطلق نجات پیدا کرده اند. اگر نگاه به برنامه‌هایی که این کشور انجام داده بکنیم تقریباً همان آموزه‌هایی هست که حضرت عبدالبهاء در رساله مدنی به ایرانیان پیشنهاد فرمودند مانند آموزش و پرورش، تکنولوژی، نوآوری، تجارت بین‌المللی، و نقش ثروت در سرمایه گذاری. در همین سه چهار دهه اخیر چین از آنها استفاده کرده و امروزه دارای یک اقتصاد بسیار قوی و پایدار در سطح جهان میباشد و بازار جهانی را به دست گرفته. رشد اقتصادی این کشور در همین سه چهار دهه اخیر بین ده تا پانزده درصد است. و لذا امروزه کشور چین با کشوری که در سال ۱۸۷۵ حضرت عبدالبهاء از آن صحبت می‌کنند فرق دارد. ملت چین دانسته و یا ندانسته از آموزه‌های اقتصادی رساله مدنیّه بهره برده‌اند.

یکی از نتایج آن، تربیت افرادی با سواد چه از نظر علمی و چه از نظر روحانی است. هم‌چنین لازمه این آموزه از نظر مدیریت کارایی که یکی از عوامل تولید پایدار میباشد. افراد بهائی به واسطه‌ی تربیتی که شده‌اند تبدیل به مدیران بسیار ارزشمند و با تجربه شدند و می‌توانند امور خود و

اطرافیان خود را بدرستی تنظیم کنند. همچنین با تمرکز بر امر تربیت و یادگیری مهارتها، بهره‌وری فردی و سازمانی یا همان استفاده‌ی موثر و مفید از عوامل تولید مانند منابع طبیعی و فیزیکی و نیروی انسانی، در مسیر پیشرفت قرار می‌گیرند و باعث می‌شوند که افراد در ابعاد مختلف زندگی مانند اشتغال موفق باشند. لذا، افراد به نیروی کارآمد تبدیل می‌شوند، و بدین صورت در بازار کار تقاضا برای آنها افزایش می‌یابد و با درآمد بالا مشغول خواهند شد. بنابراین بهائیان در یکی از عوامل موثر بر رشد و توسعه اقتصادی یعنی تربیت جمهور برای رفاه بیشتر عمل کرده‌اند. در واقع افراد یک جامعه سرمایه اصلی به حساب می‌آیند. بدون نیروی انسانی که عضو فعال اقتصادی محسوب می‌شود سایر منابع بیکار خواهند ماند. موضوع بیکاری فقط شامل نیروی انسانی نمی‌شود. اگر نیروی اصلی یعنی انسان بیکار باشد سایر منابع مانند زمین و پول و ماشین آلات نیز بیکار باقی می‌مانند.



## ۱۱

### نظریه اقتباس از ممالک سایر

بعد از اشاره به پیشرفتهای چشمگیر کشور ژاپن حضرت عبدالبهاء ایرانیان را توصیه میکنند که از تجربیات و پیشرفتهای علمی و صنعتی سایر ممالک بهره برند. در این مورد میفرمایند: "و اما حزبی که بر آنند این اصول تمدنیّه و اساس ترقیّ مراتب عالیّهٔ سعادت بشریّه در عوالم ملکّیه و قوانین اصلاحات کامله و اتّسع دوایر مدنیّت تامّه را اقتباس از ملل سایر لازم و موافق نه بلکه لایق و سزاوار چنان است که حکومت و ملت ایران تفکر و تعمق نموده خود ایجاد امور ما به الترقیّ نمایند.

البته اگر عقول مستقیمه و مهارت کلّیهٔ فراید ملت و همّت و غیرت اشخاص شاخصهٔ در دربار دولت و جهد بلیغ اصحاب درایت و کفایت که مّطلع بر قوانین اعظم عالم سیاسی هستند جمع شود و بکمال جهد و اقدام در جزئیّات و کلّیات امور تدبّر و تفکر نموده بتدابیر صائبه ممکنست که بعضی امور اصلاحات کلّیه یابد و لکن در اکثر امور مجبور بر اقتباسند چه که قرونهای عدیده کرورها از نفوس عمر خود را صرف نموده و تجربه کرده تا آنکه آن

امور اصلاحیه بحیث وجود آمده حال اگر چشم از آن پوشیده شود تا آنکه در خود مملکت بنحو دیگر اسباب فراهم آید که ترقی مأمول حاصل گردد اولاً آنکه اعصار کثیره بگذرد و مطلوب میسر نشود مثلاً ملاحظه نمائید که در ممالک سایره مدتی مدیده کوشیدند تا آنکه قوه بخار را کشف و معلوم و بواسطه آن چه بسیار امور و اشغال مشکله را که مافوق طاقت انسان بود سهل و آسان نمودند حال استعمال این قوه را ترک نموده و سعی و کوشش شود تا آنکه قوه‌ئی مشابه این قوه کشف و ایجاد شود قرون کثیره لازم است پس بهتر آنست که در استعمال این قوه قصوری نشود ولکن دائماً متفکر در آن باشند که بلکه قوه‌ئی اعظم از آن بدست آید و هم‌چنین قیاس نمائید سایر فنون و معارف و صنایع و قضیّات مثبت الفوائد عالم سیاسی را که در قرونهای عدیده مکرراً تجربه شده و بجهت عزت و عظمت دولت و آسایش و ترقی ملت منافع و فواید و محسنات کلیّه‌اش ثابت و مبرهن گشته حال آن را بدون سبب و داعی ترک نموده بنوع دیگر در صدد اصلاحات کوشیده شود تا آن اصلاحات از حیث قوه بوجود آید و فواید و منافعش ثابت و مبرهن گردد سالها بگذرد و عمرها بسر آید و ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم.

شرف و مزیت اخلاف بر اسلاف در این است که اموری که در زمان سابق بمحکّ تجربه رسیده و فواید

عظیمه اش ثابت گشته اخلاف آن را از اسلاف اقتباس نمایند و تأسی بایشان کنند و از آن گذشته قضایای دیگر خود کشف کرده آن را نیز ضمیمه آن امور مفیده نمایند پس معلوم شد که معلومات و مجربات اسلاف معلوم و موجود نزد اخلاف است و لکن کشفیات خاصه اخلاف مجهول اسلاف و لکن بشرط آنکه اخلاف از اهل کمالات باشند و الا چه بسیار اخلاف که قطره ای از بحر بی پایان معارف اسلاف نصیب نبردند

قدری ملاحظه نمائید که فرض کنیم نفوسی بقدرت الهیه در زمین خلق شدند آن نفوس بجهت عزّت و سعادت و آسایش و راحت خود البته محتاج بامور کثیره هستند حال آن امور را اگر از سایر مخلوقات موجوده اقتباس نمایند اهون است یا خود در هر قرنی بدون اقتباس ایجاد امری از امور لازمه تعیّش بشر نمایند

و اگر گفته شود که قوانین و اصول و اساس ترقی در درجات عالیّه مدنیّت کامله که در ممالک سایره جاری است آن موافق حال و مقتضیات مألوفه اهالی ایران نیست از این جهت لازم است که در خود ایران مدبران مملکت جهد بلیغ نموده ایجاد اصلاحاتی نمایند که موافق حال این بلاد باشد اول بیان کنند که مضرت از چه جهت است.

آیا عمار ممالک و تعمیر مسالک و توسل بوسایل تقویت ضعفها و احیاء فقرا و ترتیب اسباب ترقی جمهور و

تکثیر موادّ ثروت عموم و توسیع دایرهٔ معارف و تنظیم حکومت و و امنیّت جان و مال و عرض و ناموس مغایر حال اهل ایران است و آنچه غیر از امثال این امور است مضرّتش در هر مملکت واضح و هویداست اختصاص بمکانی دون مکان ندارد." (صص ۱۳۲-۱۳۶)

همچنین میفرمایند: "اکتساب اصول و قوانین مدنیّه و اقتباس معارف و صنایع عمومیّه مختصراً ما ینتفع به العموم از ممالک سایره جایز تا افکار عموم متوجّه این امور نافع گردد و بکمال همّت بر اکتساب و اجراء آن قیام نموده تابعون الهی در اندک مدّتی این اقلیم پاک سرور اقلیم سایره گردد." (رساله مدنیّه، صص ۳۸-۳۹)

و در بیانی دیگر ایرانیان را تشویق به پاسخ به این سوال میکنند که، "آیا عمار ممالک و تعمیر مسالک و توسّل بوسایل تقویت ضعف و احیاء فقرا و ترتیب اسباب ترقّی جمهور و تکثیر موادّ ثروت عموم و توسیع دایرهٔ معارف و تنظیم حکومت و آزادی حقوق و امنیّت جان و مال و عرض و ناموس مغایر حال اهل ایران است و آنچه غیر از امثال این امور است مضرّتش در هر مملکت واضح و هویداست اختصاص بمکانی دون مکان ندارد." (رساله مدنیّه، ص ۱۳۶)

## ۱۲

### نظریه "صفات کمالیّه"

حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه تربیت جمهور را "ثالث صفت کمالیّه بصدق طویّت و خلوص نیّت بتربیت جمهور پرداخته در تعلیم معارف عمومیّه و تدریس علوم نافع و تشویق بر ترقیّات عصریّه و تحرّیص بر توسیع دوایر صنایع و تجارت و ترغیب اتّخاذ وسایل ثروت اهالی مملکت بذل جهد بلیغ و سعی منیع نمودن است چه که عموم ناس از این امور مهمّه که علّت مزمنه هیئت اجتماعیّه را برء فوریت بی خبرند." (ص ۴۷)

در صفحه ۴۸ رساله به تعدادی از صفات کمالیّه اشاره دارند، "باری باقی صفات کمالیّه خشیه الله و محبّه الله فی محبّه عباد و حلم و سکون و صدق و سلوک و رحم و مروّت و جلادت و شجاعت و ثبات و اقدام و جهد و کوشش و کرم و بخشش و وفا و صفا و حمیّت و غیرت و همّت و بزرگواری و حقوق پروری و امثال ذلک بوده و فاقد این اخلاق حسنه انسانیه ناقص است و اگر حقایق هر یک از این صفات را بیان نمائیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود."

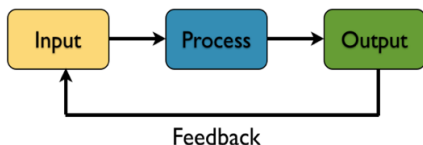


واژه "صفت کمالیه" در این بیانات قابل توجه است. برای توضیح و بیان این اصطلاح در اقتصاد و استفاده بهینه از منابع پر ارزش کره زمین از الگوی داده ها و ستانده ها استفاده میشود.

در این نمودار:

Input = داده ها

Output = ستانده ها



در این الگو، داده ها شامل منابع طبیعی و فیزیکی و منبع مالی برای سرمایه گذاری و نیروی انسانی برای مدیریت همه منابع میباشند. ستانده ها شامل کالا و خدماتی است که عرضه بازار میشوند. یکی از چالشهای بازار آزاد این است که روزانه محصولات زیادی وارد بازار می شوند که مضر برای سلامتی انسان و مخرب محیط زیست می باشند و یا شامل اجناسی هستند که کلاً بی فایده و یا بدون استفاده

میباشند و باعث میشوند هزینه هنگفتی را بر دوش مردم و دولت ها قرار میدهند.

نقش مهمی که واژه "صفات کمالیّه" ایفا می کند این است که در الگوی داده ها و ستانده ها عمل روش (process)، انتقال داده ها (input) به ستانده ها (output) را طوری تنظیم میکند که نه تنها از بهره‌وری بالا برخوردار باشند و منابع بطور بهینه مورد استفاده قرار گیرند بلکه محصولاتی تولید و عرضه بازار شوند که اخلاقی، پسندیده و مورد استفاده نیز باشند. به عبارت دیگر، "صفات کمالیّه" قادرند روش انتقال را به طور صحیح و اخلاقی ضمانت کنند. تعبیر در اینجا این است که "صفات کمالیّه" میبایست به عنوان منبع دیگری به بخش داده ها (input) اضافه شود. توضیح آنکه در علم اقتصاد معمولاً از چهار نوع منبع برای تولید کالا و خدمات استفاده میشود. در اینجا پیشنهاد این است که صفات کمالیّه که مربوط به اخلاقیات میشوند جزئی دیگر از منابع قرار گیرند. از این طریق منابع دیگر بطور احسن مورد استفاده قرار خواهند گرفت. این تعبیر دیگری از اقتصاد اخلاقی است. همچنین، از آنجا که اجرای "صفات کمالیّه" باعث تولید کالا و خدمات با کیفیت بالایی خواهد بود، این خود باعث جذب بیشتر مشتریان به یک بنگاه تجاری خواهد شد. از

طرف دیگر، از طریق بازخورد (feedback) بازار به یک نوع رقابت اخلاقی و منصفانه سوق داده میشود. توجه به این مسأله نیز مهم است که اقتصاد مدرن در انزوا کار نمیکند بلکه جزئی از بخشهای سیاسی و فرهنگی و زیست محیطی میباشد. لذا لازم است که جمیع افراد جامعه دارای صفات کمالیه باشند.



## ۱۳

### نظریه سعادت بشریّه

همانطور که از قبل تفاوت بین دو واژه رشد و توسعه تعریف شد. در این بخش لازم است اشاره شود که دولتها بیشتر به فکر برنامه های کوتاه مدت رفاهی مانند رشد هستند که نشان دهند کاری انجام شده است. و اما، توسعه در رابطه با برنامه های طولانی مدت است مانند آموزش و پرورش و بهداشت و سلامتی و اصلاحات در سطح کل جامعه. موضوع سعادت واقع از موضوعاتی است که احتیاج به برنامه های طولانی مدت دارد. در رساله مدنیّه بیشتر توجه حضرت عبدالبهاء به توسعه برای ایجاد سعادت برای عموم شهروندان است که شامل رفاه کل جامعه میشود. البته وقتی کل جامعه در رفاه و سعادت باشد، رشد اقتصادی نیز خودبخود صورت میگیرد.

دیدگاه بهائی اندیشه "سعادت" را از رفاه فردی به رفاه اجتماعی تغییر موضع داده است. در رساله مدنیّه اشارات بسیاری در تأیید اینکه سعادت عمومی را بر سعادت شخصیّه خود ترجیح دهیم وجود دارد. در

حقیقت اگر واژه سعادت را از اقتصاد حذف کنیم، مشکل خواهد بود که تصور کنیم دانش اقتصاد چه کاربردی خواهد داشت. واژه سیاست برای حضرت عبدالبهاء مفهوم واقعی کلمه را میرساند که عبارت از تأمین حداکثر رفاه و سعادت برای حداکثر مردم اس. مثلاً ثروت ممدوح است اگر کل جامعه غنی باشد.

کلمه سعادت شاید بیش از هر کلمه دیگری در رساله مدنیّه تکرار شده است، پنجاه بار، و میرساند که از اهمیّت فراوانی برخوردار است. البته نمی توان منکر این حقیقت شد که بقیه موارد نیز ارتباط مستقیم و یا غیر مستقیم با موضوع رفاه عمومی دارد. برای بهائیان رفاه و خیرخواهی تنها به خودشان معطوف نمی شود، بلکه سعی می کنند در تمام ابعاد زندگی دیگران همراهی کنند فارغ از هر دین و ملیت و نژادی که باشند.

به بعضی از واژه های سعادت در رساله مدنیّه اشاره میشود. در بیانی میفرمایند، "در کلّ احیان بجهت سعادت بشریّه اساس جدیدی تأسیس و صنع بدیعی ایجاد و ترویج نمائیم." (رساله مدنیّه، ص ۵)

واژه ها و اصطلاحات دیگر بیان شده که به چند مورد اشاره میشود:

- سعادت هیئت بشریّه
- سعادت سرمدیّه
- سعادت اخروی
- سعادت ابدیّهٔ جمهور
- سعادت عموم بشر
- سعادت در انجمن عالم
- سعادت کلیّهٔ عالم امکان

قابل توجه است که در بیان "سعادت کلیّهٔ عالم امکان" (ص ۲۵)، از رفاه کلیه عالم امکان صحبت میکنند که شامل همه موجودات کره زمین میشود و نه فقط انسانها. در این بیان، همچنین از وابستگی همه موجودات عالم امکان به یکدیگر صحبت میکنند. از جمله لازمه عمار و یا آبادانی در یک مملکت محیط زیست سالم است، ما چطور میتوانیم رفاه و آسایش داشته باشیم اگر بخاطر آلودگی هوا نتوانیم راحت نفس بکشیم. همچنین مفهوم کلیّهٔ عالم امکان توجه به سایر مخلوقات مانند مواظبت از حیوانات و محیط زیست را نیز در بر میگیرد. .

بعضی از عوامل دیگر که در رساله مدنیّه ذکر شده  
و باعث رفاه و سعادت میشوند عبارتند از:

- اتحاد با امم مجاوره
- خدمت به دیگران
- اقدامات خیرخواهانه
- اتحاد
- صلح
- اجراء عدل و انصاف
- تعلیم و تربیت
- ادای حقوق شهروندان
- آزادی
- ترک تعصبات

دیدگاه رساله مدنیّه در رابطه با رفاه و سعادت یک  
دیدگاه چند بُعدی به زندگیست. بفرموده حضرت  
عبدالبهاء، "مقصود اصلی از انزال شرایع مقدّسه سمائیّه  
سه چیز است: سعادت اخروی، تمدّن دنیوی و تهذیب  
اخلاق." (رساله مدنیّه، ص ۵۵) لذا، اندیشه رفاه و سعادت  
از رفاه فردی به رفاه اجتماعی تغییر موضع داده است.

یکی از چالش‌های کنونی جامعه پیامدهای نامطلوب و مضر مادی‌گرایی است که لازم است از آن عبور کند. نمونه‌هایی از اهداف اسفناک ماتریالیسم با پیامدهای اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی آن عبارتند از آسیب رساندن به محیط زیست، و اثرات منفی مختلف آن که برای زندگی انسان مخرب است. مشاهدات چنین چالش‌هایی و تأثیرات آن بر زندگی مردم در درک و بازتعریف سعادت اهمیّت زیادی دارد. پس راه حل مشکلات اقتصادی غالب را باید با به کارگیری اصول معنوی در اجرای روش‌ها و رویکردهای علمی جست و جو کرد. بنابراین، یک راه حل تک بُعدی که عمدتاً از طریق ابزارهای پولی اتخاذ شود، برای مقابله با بی عدالتی‌های متعدد ناشی از نتایج فعلی کافی و مؤثر نخواهد بود. عدالت اقتصادی زمانی محقق می‌شود که هر یک از اعضای جامعه از رفاه مادی نسبی برخوردار باشند و به کسب ویژگی‌های معنوی توجه لازم را داشته باشند.

با علم به معنوی بودن انسان، رفاه مادی به تنهایی نمیتواند ضامن سعادت انسان باشد. اگر جنبه‌های معنوی زندگی در کنار مادیات تحقق یابد و توسعه یابد، مردم شادتر خواهند بود. اعتقاد به اصل انسجام مادی و معنوی طرفدار این است که باید بین دو جنبه زندگی تعادل وجود داشته باشد. دیدگاه این است که سعادت واقعی با فطرت



والا تر انسان همراه است. در نتیجه، نفع شخصی و عشق به خود متعلق به ذات پست انسان است. در این سطح از زندگی، نیاز به درک جایگاه مناسب فعالیت‌های مادی در زندگی فردی و خانوادگی، انجام شرایط زندگی معنادار، تبدیل منافع شخصی به منفعت جمعی و تلاش برای خوشبختی و سعادت واقعی وجود دارد.

حضرت عبدالبهاء رابطه اصل سعادت را با اصل خدمت در این بیان توصیه می‌فرمایند، "شرافت و مفخرت انسان در آن است که بین ملأ امکان منشأ خیری گردد در عالم وجود آیا نعمتی اعظم از آن متصوّر است که انسان چون در خود نگرد مشاهده کند که بتوفیقات الهیه سبب آسایش و راحت و سعادت و منفعت هیئت بشریه است لا والله بلکه لذت و سعادتِ اتم و اکبر از این نه." (رساله مدنیّه، ص ۴) و نیز می‌فرمایند، "...آیا موهبتی در عالم اعظم از این متصوّر که انسان سبب تربیت و ترقّی و عزّت و سعادت بندگان الهی شود لا والله اکبر ثوبات این است که نفوس مبارکه دست بیچارگان را گرفته از جهالت و ذلّت و مسکنت نجات دهند و بنیّت خالصه لله کمر همّت را بر خدمت جمهور اهالی بر بندند و خیر دنیوی خویشان را فراموش نموده بجهت نفع عموم بکوشند..." (ص ۱۲۲) ماهیّت برتر انسان دارای رابطه متقابل نزدیکی با مقصود از حیات دارد.

مقصود از حیات صرفاً ارضاء نیازهای شخصی و برخوردارى از لذّات مادّی نیست، بلکه شامل خدمت به جامعه میباشد. حضرت عبدالبهاء به ایرانیان توصیه میکنند که فرهنگ خدمت به جامعه را اتخاذ نمایند. تلاش کنند از کلیه رویکردهائی که به خود پسندی و منفعت شخصی می انجامد فارغ و آزاد باشند. اشخاصی که برای پیشبرد منافع دیگران اقدام می کنند، نهایتاً به منافع خودشان خدمت می کنند. افراد باید سعی کنند به این سطح از ملاحظه دیگران برسند. حضرت عبدالبهاء کسب منافع شخصی را در مقابل "منفعت عمومی" قرار می دهند. در ارزیابی منفعت شخصی در مقابل منفعت عمومی، منفعت شخصی فرد در منفعت عمومی نیز قرار می گیرد. اگر کسی سعی کند که جامعه اش مرفّه و با رونق باشد، رفاه و راحتی خود او نیز تضمین می گردد.



## نظریه منفعت جمهور را خواستن

در آخرین پارگراف این رساله حضرت عبدالبهاء میفرمایند، "ای خوشا حال نفسی که خیر ذاتی خود را فراموش نموده چون خاصان درگاه حق گوی همت را در میدان منفعت جمهور افکند تا بعنایات الهیه و تأییدات صمدانیه مؤید بر آن گردد که این ملت عظیمه را باوج عزت قدیمه رساند و این اقلیم پژمرده را بحیات طیبه تازه و زنده نماید و چون بهار روحانی اشجار نفوس انسانی را بحلیه<sup>۱</sup> اوراق و ازهار و اثمار سعادت مقدسه سرسبز و خرم نماید." (ص ۱۳۷)

دولتها و سازمانهای تحت نظر آنها در برابر شهروندان که به آنها خدمت می کنند پاسخگو هستند. از اینرو، در هنگامی برنامه ریزی و طرح اهداف میبایست با ترجیحات و نیازهای عمومی آشنایی داشته باشند و آنها را با منابع موجود هماهنگ کنند. بعبارت دیگر، به نیازها و خواسته های رأی دهندگان خود پاسخ دهند. برنامه های دولتی باید شامل تعیین خط مشی ها و اجرای آنها به گونه ای باشد که

رفاه و سعادت عموم شهروندان مورد نظر قرار گیرد. هنگامی که منافع عمومی در اولویت است، سیاست ها احتمالا به طور موثرتری اجرا میشوند زیرا از حمایت بیشتری از سوی مردم برخوردارند. همچنین، زمانی که مقامات دولتی تعهد خود را نسبت به منافع عمومی نشان می دهند، باعث ایجاد اعتماد بیشتر در بین مردم میشوند. سیاست های دولت که منفعت عمومی را در نظر دارد میتواند به طور قابل توجهی بر ثبات و رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. با توجه به اینکه سیاست گزاران در زمان قاجاریه توجه عمده را به خواسته های خود داشته اند، اینگونه توضیحات ضرورت داشته است.

عمل به آموزه منفعت جمهور را خواستن توسط هر فردی، جامعه ای و دولتی یکی از مهم ترین دلایل رسیدن به رفاه و سعادت است. در واقع رفاه سایرین را خواستن بخش مهم و حیاتی اقتصادی است که با زندگی مطلوب سازگاری دارد. با نگاهی کلی به این رساله و با توجه به تاکیداتی که روی منافع جامعه شده است، شاید بتوان گفت که توجه به رفاه اقتصادی عمومی، از سایر آموزه های اقتصادی مطرح شده اهمیت بیشتری دارد. البته نمی توان منکر این حقیقت شد که بقیه موارد نیز ارتباط مستقیم با موضوع رفاه عمومی

دارد. همانطور که بیت العدل اعظم الهی در پیام اوّل شهریور ۱۴۰۱ خطاب به بهائیان ایران می فرمایند: "خیر دیگران را خواستن از جمله ویژگی‌هایی است که جامعه‌ی جهانی به شدت در آن ضعیف است و همان کلید گم شده‌ی دنیای پر آشوب می‌باشد. محرومیت از عادی‌ترین حقوق شهروندی و مورد ظلم و ستم قرار گرفتن بار روانی زیادی روی افراد میگذارد. برای اینکه همه در رفاه باشند، خیرخواهی عمومی باید در همه‌ی مردم جهان وجود داشته باشد. این آموزه احتیاج به آن دارد که انسان از لحاظ روحانی به حدی رسیده باشد که از لحاظ وجدانی هم بخشی از مسؤولیت خود بداند."



## ۱۵

### باسباب، ایران مرکز سنوح کمالات انسانیّه در جمع مراتب شود.

ایران دوستی حضرت عبدالبهاء از این بیان واضح و  
مبهرن شود، میفرمایند، "باری باید دامن همّت بکمر غیرت  
زد و از هر جهت باسباب آسایش و راحت و سعادت و  
معارف و تمدّن و صنایع و عزّت و شرف و علوّ منزلت  
جمعیت بشریّه تشبّث نمود تا از زلال نیت خالصه و سلسال  
جهد و کوشش اراضی قابلیتات انسانیّه بریاحین فضایل ذاتیّه  
و شقایق حقایق خصایل حمیده سرسبز و خرّم گشته رشک  
گلستان معارف اسلاف گردد و این قطعه مبارکه ایرانیه مرکز  
سنوح کمالات انسانیّه در جمع مراتب گشته آینه  
جهان‌نمای جهان مدنیّت شود." (رساله مدنیّه، ص ۶)

کمالات انسانیّه چگونه می تواند نقش موثری بر  
نیروی کار و رونق چرخه اقتصادی داشته باشد؟ مسلما  
تقاضا برای نیروی کارگر ماهر که با تکنولوژی روز آشنایی  
داشته باشد، بیشتر است و بنابراین به دنبال افزایش عرضه  
ی نیروی کار، تولیدات نیز افزایش می یابد و چرخه اقتصادی

رونق می‌گیرد و منابع اقتصادی در مسیر سازندگی قرار خواهند گرفت. در بین منابع اقتصادی این نیروی انسانی است که بعنوان نیروی فعال قادر است سایر منابع اقتصادی را بکار اندازد و باعث تولید محصولات شود. و اگر این نیروی انسانی دارای کمالات اخلاقی باشد محصولاتی تولید و عرضه بازار میشوند که مفید و بادوام و اخلاقی باشند. توضیح اینکه از منظر اقتصاد، منابع به سه دسته کلی زمین، نیروی کار و سرمایه که همان ثروت و پول است، تقسیم می‌شوند. این منابع بعنوان د/ده ها طی یک پروسه ای به ستاننده ها تبدیل می‌شوند که همان کالا و خدمات می‌باشند. اما همان طور که می‌دانیم منابع محدود اند و خواست بشر نا محدود. هر کدام از این سه منبع اقتصادی اگر در جایی تبدیل به خروجی شده باشند دیگر نمی‌توانیم از آن‌ها به عنوان ورودی در پروسه دیگری استفاده کنیم. بنابراین این مسئله هنگام بحث در مورد چگونگی مصرف صحیح ثروت اهمیت می‌یابد؛ ثروتی که در جهت آموزش و پرورش صرف می‌شود همان هزینه ای است که در راه جنگ یا هر اقدام مخرب دیگری صرف نشده است. به چنین مفهومی هزینه فرصت می‌گوییم یعنی با توجه به محدودیت منابع که داریم هزینه مان را صرف یک فعالیت جایگزین می‌کنیم. همین طور در ارتباط با صنایع و یا صرف ثروت در راه امور خیریه نیز به نتایج مشابهی میرسیم و به

نسبتی که در چنین مواردی هزینه کنیم، کم تر در راستای  
تجملات هزینه مصرف خواهد شد و بنابراین از گرفتار شدن  
در دام مصرف گرایی رهایی خواهیم یافت.





## نظریه نابرابری اقتصادی و فقر

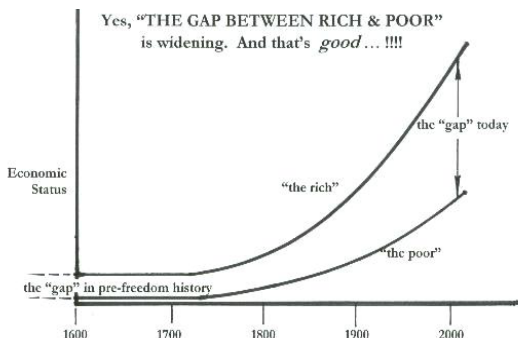
نابرابری انواع مختلف دارد. در اینجا ما فقط از نابرابری اقتصادی حرف می‌زنیم. نابرابری اقتصادی یعنی شرایطی که در آن افراد جامعه از لحاظ درآمد با یکدیگر برابر نیستند و افراد را از نظر اجتماعی در طبقات مختلفی از جامعه قرار داده است. نابرابری نه تنها ثبات اقتصادی را تهدید می‌کند بلکه می‌تواند باعث نابرابری سیاسی و اجتماعی و در نتیجه نابسامانی و آشفتگی در یک کشور هم بشود.

نابرابری اقتصادی در یک جامعه نه تنها ثبات اقتصاد کلان را تهدید میکند بلکه می‌تواند باعث نابرابری سیاسی و اجتماعی و در نتیجه نابسامانی و آشفتگی در یک کشور نیز بشود. حضرت عبدالبهاء در رسالهٔ مدنیّه به "تزیید ثروت امت" (ص ۱۹) "ثروت اهالی مملکت" (ص ۴۷)، "ثروت و غنای عمومی" (ص ۷۹)، "تکثیر وسائط ثروت ملت" (ص ۱۲۰)، "تکثیر مواد ثروت عموم" (ص ۱۳۶)، اشاره می‌کنند. ایشان صراحتاً تأکید می‌نمایند که ثروت زمانی ممدوح است

که کل ملت غنی باشد اما اگر "اشخاص معدوده غنای فاحش داشته و سایرین محتاج و مفتقر" (ص ۳۱) باشند، از این غنا " اثر و ثمری حاصل نشود" (ص ۳۱) و موجب خسران مبین برای شخص غنی است. بنابراین می توان گفت که از دیدگاه رساله مدنیه ثروت باید به گونه ای توزیع شود که نابرابری فاحش میان غنی و فقیر وجود نداشته باشد. در همین کتاب حضرت عبدالبهاء توصیه هایی می کنند که عمل به این توصیه ها می تواند باعث کاهش نابرابری در یک جامعه شود.

بحران های داخلی، جنگ و جدال، مصیبت های طبیعی، فساد، عدم وجود عدالت و حیف و میل منابع پر ارزش کره زمین، همه از عوامل مهم ایجاد فقر در سال های ۱۸۷۵ در ایران بوده است. اگر چه امروزه پیش بینی ها این طور حکایت می کنند که شکاف میان غنی و فقیر در حال افزایش است، مانند نمودار نشان داده شده در پایین. ایران نیز از این شرایط جهانی مستثنا نیست، حتی در همان سال های ۱۸۷۵ نیز تجمع ثروت در دست درباریان و دولت مردان بود و بقیه ی مردم رعیتی بودند که هرگز بویی از آن همه ثروت و مکننت استشمام نکرده بودند. نابرابری اقتصادی یعنی شرایطی که در آن افراد جامعه از لحاظ درآمد با یکدیگر نه تنها برابر نیستند بلکه اختلاف فاحشی

موجود است که افراد را از نظر اجتماعی در طبقات مختلفی از جامعه قرار داده است.



در این نمودار از یک طرف فقر مطلق در حال کاهش است و از طرف دیگر فاصله مادی بین فقرا و اغنیا در حال ازدیاد است. هرچند نابرابری اقتصادی در داخل بسیاری از کشورها افزایش داشته است و لکن در سطح جهانی کاهش یافته است.

چرا نابرابری اقتصادی مهم است و آیا باید به آن توجه کرد؟

• برابری مانند عدالت و انصاف از ارزش‌های مهم انسانی است. تقریباً همه جوامع فارغ از فرهنگ، دین یا نظام سیاسی، به برابری به عنوان یک ارزش اهمیت می‌دهند.

• نابرابری می تواند باعث شود بعضی از مردم به فرصت های لازم برای پیشرفت دسترسی نداشته باشند و در نتیجه گروهی از شهروندان در فقر باقی بمانند.

• نابرابری همچنین اثراتی بر اقتصاد کلان دارد و می تواند ثبات اقتصاد کلان را تهدید کند.

• از همه مهم تر اینکه نابرابری اقتصادی می تواند منجر به نابرابری سیاسی شود. به بیان دیگر ممکن است تصمیم گیری درباره کل جامعه و کل اقتصاد در دست تعداد معدودی قرار گیرد که فقط منافع شخصی و یا گروهی خود را در نظر بگیرند.

بعضی از راه حل های کاهش نابرابری و فقر در رساله مدنیّه عبارتند از:

- مطلوب بودن ثروت در سطح فردی
- مطلوب بودن ثروت در سطح جامعه
- سعادت عمومیه را بر سعادت شخصیّه ترجیح دادن
- مراقبت و حمایت از فقرا
- نقش دولت در توزیع عادلانه ثروت
- اقدامات خیرخواهانه
- کاهش مخارج ارتشی و صلح عمومی

- آموزش و پرورش اجباری برای همه شهروندان که بتوانند از استعدادهای خود استفاده کنند.
- به وجود آوردن آزادی و دموکراسی

در رابطه با موضوع فقر باید توجه داشت که کمک اغنیا به فقرا یک مسأله است، و از بین بردن فقر یک مسأله دیگریست. وظیفه اخلاقی و روحانی اغنیا است که بصورت داوطلبانه به فقرا کمک کنند. ولی برای از بین بردن فقر در سطح جامعه و بطور کلی ریسکی خواهد بود که فقط از طریق داوطلبانه انجام شود چون ممکن است مقدار کمکهای داوطلبانه به اندازه کافی نباشد که فقر در سطح جامعه را کاهش دهد. این است که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند می‌باید به موجب قانون انجام شود. بعبارت دیگر نقش دولت در از بین بردن فقر مطلق ضرورت دارد.



## ۱۷

### نظریه صلح عمومی

"الیوم شایستهء ملوک مقتدر تأسیس صلح عمومی است زیرا فی الحقیقه آزادی جهانیان است." (رساله مدنیّه، ص ۸۴)

امروز، دنیای ما از هر لحاظ، اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، بسیار کوچک، وابسته به هم و مرتبط با یکدیگر است. اگر مردمانی در مناطق فقیر تر از گرسنگی و سوء تغذیه در رنج و عذاب باشند، ما احساس ناراحتی می کنیم. تشبیه عالم به هیکل انسان میسراند که درد و رنج در نقطه ای از جسم سبب درد و رنج در بقیه نقاط همان جسم است. نمی توانیم در گوشه ای از دنیا جنگ و فقر داشته باشیم و در گوشه دیگر در صلح و سعادت و رفاه باشیم. این، پی بردن به این نکته است، که ما اعضاء یک خانواده بزرگتر هستیم، و درد و رنج و ناآرامی در یک بخش از جهان بر دیگر قسمت های دنیا اثر می گذارد.

یکی از موانع اصلیه برای تحقّق صلحی پایدار و هدفمند عبارت از جنگ و منازعات داخلی است، زیرا آنها نه تنها به ضایع شدن منابع بلکه به ایجاد اصطکاک و جدایی بین شهروندان یک ملت و ملل مختلفه منجر خواهند شد، و این موضوع در رساله مدنیّه مورد نظر حضرت عبدالبهاء میباشد. منازعات تأثیر عظیمی در تلفات انسانی و هدر رفتن و تخریب منابع طبیعی، از جمله منابع تجدیدناپذیر دارند. مثلاً، سطح بالای مخارج نظامی، با محدود کردن بودجه برای برنامه‌های اجتماعی و توسعه‌ای، بر کیفیت زندگی شهروندان اثر میگذارند. ائتلاف منابع یکی از مبرم‌ترین مسائل در نظر حضرت عبدالبهاء و برای اقتصاددانان است. مفهوم این است مبالغی که صرف جنگ می‌شود را می‌توان، مثلاً، برای شکل‌های گوناگون خدمات عمومی، از قبیل تحصیل و بهداشت، پژوهش و پیشبرد علوم و فنون، و ارتقاء سطح زندگی مردم، صرف نمود.

اما علاقه اقتصاددانان به مطالعه صلح در چیست؟ برخی از فرضیات و اهداف مهم شرکت‌ها معطوف به تقلیل هزینه، تکثیر سود، و به حدّ اکثر رساندن منفعت است. در طیّ جنگ منابع نابود می‌شوند، که به هزینه تولید می‌افزاید. از لحاظ نظری، اقتصاد نگران هزینه شروع جنگی جدید است - نه تنها هزینه تحمیلی به مالیات دهندگان

بلکه تأثیرات احتمالی بر اقتصاد، قیمت نفت، بورس اوراق بهادار، تورّم و بیکاری، و بر سطح زندگی. نگرانی دربارهٔ هزینهٔ فرصت از دست رفته در منابعی که به جنگ اختصاص یافته، اعم از ارزش واقعی و ارزش پولی، از جمله بازسازی شهرها بعد از جنگ است. اگر اقتصاد را از لحاظ کارایی تعریف کنیم، در این صورت این نگرانی وجود دارد که منابع، از قبیل انسانی، فیزیکی، زمانی، و فناوری، در چه حدّی از مطلوبیت برای تولید نتیجهٔ نهایی به کار می‌رود. در نتیجه، جنگ، منازعات و اختلافات، و خشونت به حفظ منابع تنها کمکی نمی‌کنند بلکه بینهایت مضر هستند...

در رساله مدنیّه حضرت عبدالبهاء میفرمایند، " تمدّن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افزازد که چند ملوک بزرگوار بلندهمت چون آفتاب رخشندهٔ عالم غیرت و حمیت بجهت خیریت و سعادت عموم بشر بعزمی ثابت و رأیی راسخ قدم پیش نهاده مسئلهٔ صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و بجمیع وسایل و وسایط تشبّث نموده عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهدهٔ قویّه و میثاق و شروط محکمّهٔ ثابتّه تأسیس نمایند و اعلان نموده باتّفاق عموم هیئت بشریّه مؤکد فرمایند این امر اتمّ اقوم را که فی الحقیقه سبب آسایش آفرینش است کلّ سگان ارض مقدّس شمرده جمیع قوای عالم متوجّه ثبوت و بقای این



عهد اعظم باشد و در این معاهدهٔ عمومیه تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولتی و روابط و ضوابط مابین هیئت حکومتیهٔ بشریهٔ مقرر و معین گردد و کذلک قوهٔ حربیهٔ هر حکومتی بحدی معلوم مخصّص شود چه اگر تدارکات محاربه و قوای عسکریهٔ دولتی ازدیاد یابد سبب توهم دول سایره گردد باری اصل مبنای این عهد قویم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من بعد شرطی از شروط را فسخ نماید کلّ دول عالم بر اضمحلال او قیام نمایند بلکه هیئت بشریهٔ بکمال قوت بر تدمیر آن حکومت برخیزد اگر جسم مریض عالم باین داروی اعظم موفق گردد. البتّه اعتدال کلی کسب نموده بشفای باقی دائمی فایز گردد." (رساله مدنیّه، صص ۷۵-۷۷)

ملاحظه فرمائید که اگر چنین نعمتی میسر شود، "اولاً: هیچ سلطنت و حکومتی محتاج تهیاً و تدارکات مهمّات جنگ و حرب نباشد و مضطرّ باصطناع آلات حربیهٔ جدیده بجهت مقهوریت نوع انسان نگردد بلکه بعسکر قلبی که سبب تأمین مملکت و تأدیب اهل فساد و شقاوت و منع فتن داخلیّه است محتاج و بس از این جهت اولاً بندگان الهی عموم اهالی از تحمّل اثقال مصارف باهظهٔ حربیهٔ دول راحت و مستریح شوند.

ثانیاً نفوس کثیره اوقات خود را دائماً در اصطناع آلات مضرّه که شواهد درّندگی و خونخواری و منافی موهبت کلّیهٔ عالم انسانی است صرف ننمایند بلکه در آنچه سبب آسایش و حیات و زندگی جهانیان است کوشیده سبب فلاح و نجاج نوع بشر گردند و عموم دول عالم بکمال عزّت بر سریر تاجداری مستقرّ و کافّهٔ قبایل و امم در مهد آسایش و راحت آرمیده و مستریح شوند.

ثالثاً: آنهایی که این امر را غیر ممکن میدانند

و بعضی اشخاص که از همم کلّیهٔ عالم انسان بی‌خبرند این امر را بسیار مشکل بلکه محال و ممتنع شمرند نچنان است بلکه از فضل پروردگار و عنایات مقرّبین درگاه آفریدگار و همّت بیهمتای نفوس کاملهٔ ماهره و افکار و آراء فراید زمانه هیچ امری در وجود ممتنع و محال نبوده و نیست همّت همّت غیرت غیرت لازم است چه بسیار امور که در ازمینهٔ سابقه از مقولهٔ ممتنعات شمرده میشد که ابداً عقول تصوّر وقوع آن را نمی نمود حال ملاحظه مینمائیم که بسیار سهل و آسان گشته و این امر اعظم اقوم که فی الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیّت و سبب فوز و فلاح و راحت و نجاج کل است از چه جهت ممتنع و محال فرض شود و لابدّ بر اینست که عاقبت شاهد این سعادت در انجمن عالم جلوه گر گردد... " (رساله مدنیّه، صص ۷۸-۷۹)

- در پایان این بخش اثرات و فواید اقتصادی از طریق پی آمدهای صلح بطور خلاصه بیان میشود:
- با ایجاد صلح و پی آمدهای آن ، آن دسته از کالا و خدماتی که مضر به حال کل جامعه است از بازار حذف شده و یا تولید نمیشوند.
  - در اثر پی آمدهای صلح و در یک جامعه در حال پیشرفت و در نظر داشتن روح نوع دوستی انسان، فرصتهای لازم جهت بوجود آمدن آن دسته از کالا و خدماتی که برارنده مقام والای انسان است تولید و به بازار عرضه میشود.
  - در زمان صلح ، ملل قادر خواهند بود منابع انسانی، طبیعی و مالی را در راه پیشرفتهای نوآوری و توسعه علمی و هنری و آموزش و پرورش بکار برند. به عبارت دیگر، منابع ارزشمند در راه سازندگی ساختارهای یک جامعه و در راه رفاه شهروندان بکار خواهد رفت.
  - در اثر پی آمدهای صلح ، ثروت ملتها به طور مؤثرتری در اختیار شهروندان قرار خواهد گرفت که در این صورت به ایجاد یک اقتصاد پایدار کمک میشود که در آن نه تنها نسل حاضر از یک رفاه

نسبی بر خوردار میشوند بلکه نسل آینده نیز از آن بهره برده و محیط زیست نیز محافظه میشود.

- در یک جامعه صلح آمیز ریسکهای اقتصادی نامعلوم ، ناگهانی و متزلزل کاهش یافته و دولتها و سازمانهای تجارتي و رفاهی قادرند برنامه های طولانی مدت تنظیم نمایند. چنین برنامه هایی به کاهش هزینه کمک کرده و تا حدی اعتماد مردم و سازمانها را جلب می کند که جمیعاً در یک محیط سالم به زندگی ادامه دهند.

- با تحقق صلح منافع حاصله از رشد و توسعه اقتصادی بطور عادلانه و منصفانه بین عموم شهروندان توزیع میشود.

- صلح و یگانگی بین افراد باعث از بین رفتن همه گونه تعصبات میشود، از جمله تعصب اقتصادی. چنین اصلی باعث رونق همکاری در تجارت و سایر فعالیتهای نوع دوستانه میشود. عدم وجود تعصبات به کاهش فقر، افزایش همکاریهای متقابل و ایجاد شغلهای بیشتر در بسیاری از جوامع میانجامد.

بنابر این، اقتصادی آرام و مسالمت آمیز به کاستن از خطرات و بی ثباتی منجر می شود، که فرصت ها را برای

توسعه اقتصادی و تهیه برنامه‌های درازمدت افزایش می‌دهد. اگر دولتی بجای درگیر شدن در جنگ یا منازعات داخلی تلاش‌ها و منابع خود را برای بهبود زندگی شهروندان خود متمرکز سازد، چنین ملتی را نیز می‌توان در زمره کشورهای پیشرو در حال توسعه و در بعضی مواقع کشورهای توسعه یافته منظور نمود. در طی دوران صلح، منابع به نحوی کارآمد اختصاص خواهد یافت و به نحوی مؤثر مصرف خواهد شد، و به این ترتیب ثبات اقتصادی حفظ می‌شود. لذا، حمایت از منابع کره زمین برای بهبود زندگی این نسل و بدون تخریب زندگی نسل آینده است.



## ۱۸

### نظریه تجارت بین المللی

در بیانی حضرت عبدالبهاء از ایرانیان سوال میکنند، "آیا این پسندیده است که همسایگان و مجاوران لیلاً و نهاراً در تشبّث و وسایل ترقّی و عزّت و سعادت بجان و دل بکوشند و شما از تعصّب جاهلیّه بمضادّت و منازعت و هوی و هوس خود مشغول گردید." (رساله مدنیّه، ص ۱۰۹)

یکی از آموزه های اقتصادی رساله مدنیّه تشویق دولت و مردم درگسترش و فعالیتهای تجارت بین المللی است. به ایرانیان میفرمایند: "... اکتساب اصول و قوانین مدنیّه و اقتباس معارف و صنایع عمومیّه مختصراً ما ینتفع به العموم از ممالک سایره جایز تا افکار عموم متوجّه این امور نافع گردد و بکمال همّت بر اکتساب و اجراء آن قیام نموده تا بعون الهی در اندک مدّتی این اقلیم پاک سرور اقالیم سایره گردد." (رساله مدنیّه، صص ۳۸-۳۹)

بنابراین، در رساله مدنیّه ما حمایت قوی برای گسترش تجارت بین المللی می یابیم. به طور کاملاً قابل

توجهی، حضرت عبدالبهاء از ایرانیان غرق در فقر در سال ۱۸۷۵ می‌خواهند به گسترش تجارت با کشورهای شرق و غرب، توسعه منابع طبیعی و افزایش ثروت مردم توجه داشته باشند، و مفاهیم مدرن سیستم‌ها و رویه‌های جدید شرکت‌های متمدنی را از "مردم اروپا" بیاموزند. ایشان همچنین از آنها می‌خواهند تا "تشبّث بوسایل اتّحاد با امم مجاوره و عقد معاهدات قویّه با دول عظیمه و محافظهٔ علاقات و دادیّه با دول متحابّه و توسیع دایرهٔ تجارت با امم شرق و غرب و تکثیر مدفوعات طبیعیّه مملکت و تزئین ثروت امت" (ص ۱۹). علاوه بر این، ایشان توجه به نمونه ژاپن اشاره دارند که "چشم‌های خود را باز کرده و فنون پیشرفت و تمدن معاصر را پذیرفته و علوم و صنایع مورد استفاده را برای عموم ترویج می‌کند... " (رساله مدنیّه، ص ۱۱۱).

با توجه به اینکه حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه نقشه راهی منتهی به تمدن الهی را ارائه کردند که شامل پیشرفت مادی از طریق بازرگانی است، می‌توان نتیجه گرفت که «تکنیک‌های پیشرفت و تمدن» سیاست اقتصادی ژاپن را در بر می‌گیرد که از قبل به آن اشاره شد. دهه ۱۸۷۵ در این راستا، تعدادی از مورخان اقتصادی، سیاست اقتصادی ژاپن در آن زمان را به عنوان احتمالاً بزرگترین شوک جهانی

شدن قرن نوزدهم یاد کرده اند. ژاپن در سال ۱۸۷۵ از خودکامگی مجازی به تجارت آزاد روی آورد. تغییر چشمگیرتری از سیاست تجارت بسته به سیاست اقتصادی باز. در پانزده سال پس از ۱۸۷۵، تجارت خارجی ژاپن ۷۰ برابر شد، از تقریباً صفر به ۷ درصد درآمد ملی. در تحلیلی از تاریخ اقتصادی در قرن بیستم، میتوان گفت که منبع رونق مادی که امروزه در اقتصادهای پیشرو دیده می‌شود، مخفی نیست. افراد، دولت‌ها، کارآفرینان، مؤسسات، همه در پی آنند تا کاری را انجام دهند که ژاپن در اواسط قرن نوزدهم شروع به انجام آن کرد، و آن عبارت است از به دست آوردن و به کارگیری هر چیزی که در انبار توانایی های فناورانه بشر است.

### تحلیلی بر موفقیت تجارت بین‌المللی پایدار و

#### منصفانه

موفقیت تجارت بین‌المللی پایدار و منصفانه منوط به آن است که تا چه حدّ چنین مبادله دوطرفه‌ای واقع بینانه باشد. مثلاً، مسائل مربوط به حمایت از صنایع داخلی، نوسانات در ارزش واحد پول، کیفیت کالاها و خدمات، و سطوح قیمت‌ها ممکن است بر تجارت اثر بگذارد یا مانعی بر سر راه تجارت آزاد و منصفانه باشد. هر ترتیبی برای موفقیت تجارت بین‌المللی پایدار و هدفمند باید همراه با



عدالت و انصاف برای کلّ عالم انسانی باشد. مثلاً، در این اصل تفاوت پرداخت‌ها باید منعکس‌کننده سطوح مختلف مهارت، توانایی و استعداد باشد، چه از لحاظ پاداش و چه ایجاد انگیزه برای سطوح عالی عملکرد و بهره‌وری، قویاً مورد حمایت قرار گیرد.

حضرت عبدالبهاء ایرانیان را قویاً به "توسیع دائره تجارت با امم شرق و غرب و تکثیر مدفوعات [منابع] طبیعیّه مملکت و تزئید ثروت" (ص ۱۹) تشویق می‌فرمایند. این از آن جهت اهمّیت دارد که از لحاظ سنتی، کشورهای توسعه یافته و شرکت‌های چندملّتی غالباً کشورهای در حال توسعه را منبعی از منابع طبیعی ارزان مشاهده کرده‌اند که می‌توانند در تولید کالا توسط کشورهای توسعه یافته استفاده شوند. تمرکز اکنون به جهت دیگری معطوف شده و تعدادی از کشورهای در حال توسعه مشغول استفاده از فناوری پیشرفته و کاردانی و مهارت هستند. نهضت تولید صنعتی در دنیای در حال توسعه به آنها اجازه داده که برتری نسبی (comparative advantage) را بهبود بخشند و به شکوفایی و رونق نسبی دست یابند. برتری نسبی به این مفهوم که هر دو کشور مورد تجارت از مزایای تجارت برخوردار میشوند. حضرت عبدالبهاء همچنین از ایرانیان خواستند که به فراگیری "افکار جدیده ... و تنظیم و تشبّثات

مدنیّه" از "اهل اروپ" (ص ۱۷) بپردازند. به علاوه، آنها را تشویق کردند که از ژاپن تبعیت کنند زیرا "تشبّث به وسائل ترقّی و تمدّات عصریه" (ص ۱۳۱) نموده است. اگرچه این آثار خطاب به شهروندان ایران است، اما نظرات آن تلویحاً خطاب به اهل جهان است.

البته، در عمل، تعدادی محدودیت‌ها یا موانع برای تجارت آزاد و منصفانه بین‌المللی وجود دارد، از قبیل اقدامات حمایت‌گرانه، که از اقتصاد ملی حمایت می‌کند و شامل تعرفه گمرکی و پرداخت یارانه است، و بازار صادرات - واردات منظم‌تر. بنابراین، استدلال می‌شود که موفقیت تجارت پایدار و منصفانه منوط به عمدتاً یکپارچه شدن بسیاری از کشورها از طریق تجارت آزاد و منصفانه در اقتصاد جهانی واحد است. میزانی که کشوری می‌تواند در اقتصاد جهانی تلفیق شود مبتنی بر سطح محدودیت‌های ایجاد شده برای جابجایی منابع به داخل و خارج کشور است. بعبارت دیگر، از لحاظ چشم‌انداز صرفاً اقتصادی، تجارت بین‌المللی پایدار، منصفانه و آزاد بستگی به توزیع عادلانه منافع روابط جهانی و به سیاست‌های داخلی و انواع ترتیبات بین‌المللی اجتماعی منوط است. بنا به گفته آمارتیا سن (Amartya Sen) این ترتیبات شامل مواردیست از قبیل: "قراردادهای تجاری، قوانین حق انحصاری، ابتکارات

بهداشت جهانی، تدارکات آموزشی بین‌المللی، تسهیلات برای ترویج فناوری، محدودیت زیست‌شناختی و زیست‌محیطی، رفتار نسبت به دیون انباشته، و محدودیت منازعات و جنگ‌های محلی." (*The Idea of Justice*، ص ۴۰۹) چنین ترتیباتی زمانی میسر است که، بنا به گفته جفری ساکس (Jeffrey Sachs) "منافع اقتصادی جهانی شده و به نحوی منصفانه و عادلانه بین شهروندان جهان توزیع شود." (*The End of Poverty*، ص ۳۵۸) به این ترتیب، اخلاقیات نقشی مهم در تجارت بین‌المللی پایدار ایفا می‌کند.

افزایش سطح برون‌داد برای بازار جهانی موجد اشتغال بیشتر در کشورهای در حال توسعه است. حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرمایند که داد و ستد برون‌داد را چند برابر می‌کند. از این رو، اصولی از قبیل سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت، تأمین فرصت برای زنان، و برداشتن موانع تجاری به افزایش سطح برون‌داد در بازار جهانی کمک خواهد کرد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه از قبل با به کار بردن این اصول سود برده‌اند و به کسب عایدات اضافه، که برای بهبود خدمات عمومی از قبیل آموزش و پرورش، بهداشت و دیگر برنامه‌های رفاهی لازم است، از فقر خارج شده‌اند.

موفقیت تجارت پایدار و منصفانه بین‌المللی منوط به آن است که تا چه حدّ چنین مبادله دوطرفه‌ای واقع‌بینانه باشد. مثلاً، مسائل مربوط به حمایت از صنایع داخلی، نوسانات در ارزش واحد پول، کیفیت کالاها و خدمات، و سطوح قیمت‌ها ممکن است بر تجارت اثر بگذارد یا مانعی بر سر راه تجارت آزاد و منصفانه باشد. همچنین می‌توان استدلال کرد که سطح حمایت‌گرایی را با بازار منظم و کنترل شده بین‌المللی می‌توان کاهش داد.



## نظریه روش مشورتی تصمیم‌گیری

حضرت عبدالبهاء پنج بار در رساله مدنیّه از روش مشورتی برای تصمیم‌گیری صحبت میکنند. مثلاً در این بیان میفرمایند، "تشکیل مجالس و تأسیس محافل مشورت اساس متین و بنیان رزین عالم سیاست است." (ص ۲۲) و در بخش قبلی وقتی حضرت عبدالبهاء از صلح عمومی صحبت میکنند میفرمایند، "چند ملوک بزرگوار بلندهمت... مسئلهٔ صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند." (ص ۷۵)

نظریه مشورتی تصمیم‌گیری حضرت عبدالبهاء اعم از فردی و جمعی، کمک می‌کند تصمیماتی آگاهانه اتخاذ شوند تا زندگی کاملاً متعادل و متوازی داشته باشند. مشورت بعنوان روش تصمیم‌گیری، و قرار دادن عامّهٔ مردم در کانون فعالیت‌ها، دارای اثرات مثبت در اصلاح خرابیهای جامعه فعلی خواهد بود.

مشورت یکی از اصول مهم برای عملکرد مؤثر صلح است. یکی از مسائل مرتبط با توسعه صلحی پایدار ناتوانی برخی از دولتهای شرکت کننده برای اتخاذ دیدگاه مشترکی نسبت به عوامل اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی، و استفاده از فرایند تصمیم گیری جمعی است. در حالی که هدف اصلی عبارت از صلح و هماهنگی فعالیتها در مقابل وابستگی متقابل فزاینده و معضلات پیچیده اجتماعی - اقتصادی است، حضرت عبدالبهاء تأکید دارند که روشهای تصمیم گیری جمعی ضرورت تام دارد. قضیه این است که روش مشورتی تصمیم گیری به سیاستمداران و دیگر افراد ذی نفع جامعه کمک می کند فرایند برنامه ریزی مؤثری را اجرا کنند. روش جمعی تصمیم گیری بر جمیع وجوه تخصیص منابع بین شهروندان اثر می گذارد و نافذ است. به نحوی فزاینده، دولتهای بیشتری پی می برند که با اعمال روش تصمیم گیری گروهی از طریق مشورت، منابع پر ارزش کره زمین صرفه جویی شده و یا بدرست از آنها و به نفع عموم استفاده میشود. لذا، این روش، وقتی به کار گرفته شود، فرصتی را برای هر یک از دولتها و سازمانها فراهم می آورد تا در فرایند وصول به اهداف صلح مشارکت داشته باشند. این به نوبه خود در روابط تأثیر می گذارد و متعاقباً رفتار آحاد اعضاء دولتها را بهبود می بخشد.

همچنین، می‌توان استدلال کرد که کاربرد مشورت در "اقتصاد جدید"، در مقایسه با "اقتصاد کهن"، با تأکیدی بر تأثیر نوآوری، ارتباطات و تصمیم‌گیری را مؤثرتر می‌سازد. امروزه سازمان‌هایی که از روش مشورتی در تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند در تحقق اهداف خود موفق‌ترند. مزایای تصمیم‌گیری از طریق روش مشورتی بسیارند. این روش برای توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌ها لازم است. همچنین جهت اجرای موفقیت‌آمیز اهداف سازمان. هدف کلیدی آن عبارت از توسعه مهارت‌های مشورتی متخصصین جهت کمک به آنها در اجرای برنامه‌هایی که لازم به تغییر می‌باشند. مشارکت از طریق مشورت فرصتی را برای کارکنان فراهم می‌آورد که به نحوی سازنده دربارهٔ مسائلی که بر آنها تأثیر می‌گذارد تفکر کنند، و نظرهای خودشان را برای بهبود و اصلاح امور کاری بیان کنند. از طریق مشورت قادرند در حل مسائل مشارکت جویند، و به صورت گروهی در اجرای اقداماتی در جهت کار مطلوب فعالیت داشته باشند. کارکنان، از لحاظ اخلاقی و انسانی و اقتصادی، مستحق آنند که از فعالیت‌هایی که بر زندگی آنها، در داخل و خارج از محل کار، اثر می‌گذارد آگاه باشند و در آن مشارکت جویند. اینها عوامل انگیزشی است که بهره‌وری کارکنان را افزون می‌سازد. با روش مشورتی تصمیم‌گیری، کارکنان حسن‌تعلق به سازمان را احساس می‌کنند، که سبب بهبود بهره‌وری و

در نتیجه افزایش کالا و خدمات می‌گردد. کارکنان برای این واقعیت ارزش قائل خواهند شد که کارفرمای آنها نیازهای آنها را تشخیص می‌دهد و به مجهودات آنها به نحوی رضایت بخش پاداش می‌دهد. در مقابل، کارفرما ممکن است با حفظ کارکنان مجرب، با انگیزه و مولّد، سودآوری خود را به میزان چشمگیری بالا ببرد. لذا، منافع چنین مشارکتی بسیار زیاد است.





## ۲۰

### نظریه تبعیض و ترک تعصبات

تبعیض و انواع تعصبات از دیگر نوع خرابیها به شمار می‌آیند. و اما، تعصب چگونه تعریف میشود؟ تبعیض نوعی از تعصب است. در مفهوم اقتصادی، تبعیض صرفاً انتخاب یک گروه بر گروه دیگر است. تبعیض میتواند حالت مثبت و یا منفی داشته باشد. به طور مثال در ایران بهائیان به خاطر اعتقادات دینی از فعالیت در تعدادی از فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی محروم میباشند. این روش تبعیض منفی است.

برای بهائیان که آموزش و پرورش برایشان اجباری است و خدمت به جامعه برایشان از جمله اصول عقیدتی محسوب میشود و کار برایشان حکم عبادت را دارد، از محروم شدن شرکت در فعالیتهای اقتصادی بیرحمانه است و تبعیضی ست آشکار. این بدان معنی است که بازار کار از تعادل خارج میشود. هنگامی که نیروی انسانی که مهمترین منبع اقتصادی به شمار می‌آید بیکار باقی بماند در رشد اقتصادی نیز تأثیر گزار خواهد بود و باعث شکست سایر

اهداف اقتصادی از جمله رشد اقتصادی می شود. بیکاری نیروی انسانی یعنی سایر منابع اقتصادی هم بیکار باقی میمانند و این لطمه بزرگی به اقتصاد میزند. این نوع تعصبات از خرابیهای اسفناک یک جامعه است و توصیه حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه ترک تعصبات است.

بین هر نوع تبعیض و فرصت های شغلی همبستگی منفی وجود دارد. با افزایش تبعیض، فرصت های شغلی کاهش می یابد. بیکاری افراد، جوامع و دولت را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. تأثیر آن بر افراد شامل سطح پایین درآمد، فقدان پس انداز، استانداردهای پایین تر زندگی، سلامت ضعیف و عدم انگیزه برای کار است زیرا دانش و مهارت فرد منسوخ می شود. در سطح جامعه، تبعیض منجر به افزایش بیکاری و پیامدهای کاهش رشد و توسعه اقتصادی و سایر مسائل مرتبط و ناامید کننده اجتماعی می شود. انواع تبعیض باعث می شود دولت از نظر سیاسی منزوی شود، در سطح ملی و بین المللی از محبوبیت کمتری برخوردار باشد و بر تجارت کشور تأثیر منفی بگذارد.

در یک دنیای آرمانی، معقول و عادلانه، هر انسانی به عنوان شهروند جامعه دارای حقوقی است که باید رعایت شود و دولت موظف است از آن حمایت کند. این حقوق

شامل حق کار، سرپناه، حیات و زندگی در جامعه و امنیت است که ذاتاً برای همه و توسط جامعه تأمین می شود. تعهدات یک دولت، به طور خاص، حمایت از حقوق همه شهروندان، تأمین امنیت و حمایت از دارایی خصوصی همه، بالا بردن سطح زندگی مردم، توزیع عادلانه ثروت در کشور، اتخاذ تدابیر مختلف برای رشد و توسعه سریع اقتصادی، اتخاذ روش‌های مختلف برای کاهش بیکاری، استفاده مؤثرتر و کارآمدتر از منابع کشور، فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همه شهروندان، پیشرفت یادگیری و علم، و ایجاد عدالت در کشور است. حکومتی که از این مسئولیت‌ها فاصله می گیرد، فرصت خدمت عادلانه و شرافتمندانه به ملت را از دست می دهد و در بسیاری از موارد در داخل کشور و در سطح بین‌المللی کمتر پذیرفته میشود. در رساله مدنیّه حضرت عبدالبهاء اشاره به وظایف دولت دارند که از هر گونه تعصبات و تبعیض جلوگیری شود.



## ۲۱

### نظریه فساد اقتصادی

از جمله خرابی ها فساد است. حضرت عبدالبهاء در این رساله در حداقل سه جا کلمه فساد را بکار میبرند که باید از بین برود. در اینجا چند کلمه ای راجع به اثرات منفی و مخرب فساد اقتصادی و طرق مختلف آن صحبت میشود.

تعریف فساد خیلی دشوار است و احتیاج به یک دیدگاه چند بُعدی دارد. فساد اقتصادی همیشه بوده و احتمالاً وجود هم خواهد داشت تا زمانی که قوانین دولتی جداً اجرا شوند و یا انسانها به آن سطح از اخلاقیات و روحانیات برسند که باعث فساد نشوند. مهمترین علت به وجود آمدن فساد، از هر نوعی که باشد، کمبود فضایل اخلاقی است. به عبارت دیگر یک نوع رفتار انحرافی از لحاظ اخلاقی می باشد. مثلاً در افرادی دیده میشود که از قدرت عمومی خودشان سوء استفاده به نفع شخصی انجام میدهند، مخصوصاً در سطح دولتی. در جوامعی که فساد کمتر است سرمایه اجتماعی بیشتر است. سرمایه اجتماعی یعنی اینکه بین مردم پیوند محکمی وجود دارد. عدم فساد

یعنی مردم به یکدیگر اعتماد دارند و با اطمینان خاطر بیشتر با هم کار میکنند.

اگر نگاهی به آمار کشورهای با بهترین سطح آموزش و پرورش بهتری بیاندازیم قطعاً متوجه خواهیم شد که فساد در آن کشورها در حداقل میزان است. هر چه قدر فساد در کشور پایین تر باشد، امنیت بالاتر است و هر چه قدر امنیت بالاتر باشد، سرمایه گذاری بیشتر، و در نتیجه اقتصاد میتواند رشد بهتری دارد. اقتصادی که درش فساد است قادر نیست از منابع به طور درست استفاده کند. به عبارت دیگر این منابع و یا بخشی از آنها حیف و میل میشوند. همچنین، اقتصادی که در آن فساد است منابع به طور عادلانه بین شهروندان توزیع نمی شود چون بخش بزرگی از این منابع در دست تعداد معدودی قرار می گیرد و لذا منابع کمتری در اختیار سایرین قرار خواهد گرفت و این باعث می شود فاصله اقتصادی بین مردم به وجود آید و حتی بیشتر شود. در سطح دولتی درآمد به دست آمده از طریق مالیات ها به جای ایجاد فعالیت های اقتصادی در دست معدودی قرار می گیرد. لذا، توصیه حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه منع هر گونه فساد است.

فساد در افراد، نهادها و یک سیستم وجود دارد اما ممکن است براحتی قابل شناسایی نباشد. در فساد بر خلاف سایر جرایم، بلافاصله هر دو طرف درگیر می شوند. از این رو، شناخت فساد آسان نیست. مهمترین عامل فساد فقدان فضایل اخلاقی است و با رفتارهای انحرافی و نابهنجار مرتبط است. به عنوان مثال، در افرادی دیده می شود که از قدرت عمومی خود برای منافع شخصی سوء استفاده می کنند، و عمدتاً در جوامعی رخ می دهد که در آن دولت قوانین را اجرا نمی کند یا حکمرانی ضعیفی دارد.

فساد و طرق مختلف آن نه تنها برای یک دولت بلکه برای کل جامعه مضر است، زیرا اعتماد را از بین میبرد، منجر به ناکارآمدی میشود، پیامدهای اقتصادی منفی دارد، حاکمیت قانون را تضعیف میکند، درآمد دولت را کاهش میدهد، مانع توسعه میشود، آزادی و دموکراسی را مخدوش میکند، بی عدالتی اجتماعی را افزایش میدهد، مانع پیشرفت اجتماعی میشود و به کل یک کشور آسیب میرساند. لذا، فساد و انواع آن از جمله رشوه که حضرت عبدالبهاء در صفحه ۲۰ از آن صحبت میکنند یک نیروی مخرب است و میتواند تأثیرات منفی گسترده ای بر دولت و جامعه ای که به آن خدمت میکند داشته باشد.

آزادی به معنای رهایی خود از هرگونه تعصب است. با حذف تعصبات مختلف که منجر به تبعیض می شود، توسعه اقتصادی قابل توجهی وجود دارد. آزادی هدف نهایی زندگی اقتصادی و کارآمدترین وسیله برای تحقق رفاه عمومی است. آزادی اقتصادی پدیده ای است که افراد در یک جامعه معین برای پیگیری منافع خود تجربه می کنند. از اینرو، توانایی افراد یک جامعه برای انجام اقدامات اقتصادی است که بیشتر در رابطه با فعالتهای تولیدی به نفع افراد کل جامعه است. آرمان های آزادی اقتصادی به شدت با جوامع سالم تر، محیط های پاک تر، ثروت بیشتر، توسعه انسانی، دموکراسی و رفع فقر مرتبط است. آزادی اقتصادی از شاخصهای یک نظام اقتصادیست که ممکن است دارای آن باشد یا نباشد. برای مثال، نظامهای سرمایه‌داری معمولاً در مقایسه با نظامهای کمونیستی یا سوسیالیستی، آزادی اقتصادی بیشتری را تجربه می کنند.

حضرت عبدالبهاء حد اقل در چهار بخش از رساله مدنیّه از آزادی صحبت میکنند. آزادی هدف نهایی زندگی اقتصادی و کارآمدترین وسیله برای تحقق رفاه عمومی است. توسعه اقتصادی باید از حالت تعاریف سنتی آن بیرون آید و بر اساس آزادی‌های واقعی که مردم از زندگی لذت ببرند تعریف شود. از این رو، توسعه اقتصادی را نباید بر اساس تولید ناخالص داخلی، که عمدتاً بر اساس ارزش های پولی است محاسبه کرد، بلکه باید بر اساس آزادی های اساسی مردم صورت گیرد. لذا، دیده میشود که رشد اقتصادی بالاتری در کشورهای دارای آزادی در تمامی اقشار جامعه وجود دارد. همچنین کشورهایی که برابری جنسیتی و آزادی مذهبی را رعایت می‌کنند، خلاق تر و از نظر اقتصادی پیشرفته ترند. بر اساس این دیدگاه، محدود کردن آزادی - مانع توسعه اقتصادی برای کل اقتصاد می‌شود. بدون آزادی - شهروندان قادر نخواهند بود توانایی کامل اقتصادی خود را به مرحله عمل در آورند و به انتخاب خود زندگی کنند. مشکل عدم وجود آزادی نه تنها در زمان نوشتن رساله مدنیّه وجود داشت، امروز نیز در ایران و بسیاری جوامع دیگر به چشم می‌خورد.

بدون آزادی مناسب، شهروندان نمی توانند توانایی کامل اقتصادی خود را نشان دهند و نمی توانند زندگی



دلخواه خود را داشته باشند. همه باید حق داشتن یک زندگی راحت را داشته باشند. مرحله "آرامش و سعادت و رفاه" مرحله حمایت از خود و پایداری یا شرایط شادی واقعی است. اینجاست که افراد و خانواده ها می توانند وضعیت رفاهی ایمن را انتخاب کنند.

برای اطمینان از اجرای مؤثر عدالت اقتصادی، چهار عنصر زیر پیشنهاد می شود: آزادی به عنوان یک حق اساسی برای همه انسانها، فرصتهای برابر برای همه شهروندان، مشارکت مردم از همه اقشار جامعه، و فراهم کردن وسایل لازم برای توسعه. در کشورهایی که این اصول تا حد بیشتری گنجانده شده اند از رشد اقتصادی بالاتر همراه با استانداردهای زندگی بهبود یافته برای همه شهروندان برخوردار هستند. در جامعه‌ای آزاد که فرصت‌های برابر برای همه وجود دارد، مردان و زنان از همه اقشار جامعه حداکثر مشارکت را ممکن می‌سازند. تدارک وسایل لازم، مهارت آموزی را امکان پذیر می‌سازد که مستلزم سرمایه گذاری مناسب در آموزش و پرورش همراه با پیشرفت و نوآوری فن آوری است. فرصت‌ها عوامل اساسی هستند که به جمعیت یک کشور اجازه می‌دهد تا استعدادها و توانایی‌های خود را کشف کرده و به کار گیرند. برای هماهنگی در روند استقرار ارکان عدالت اقتصادی و استفاده کارآمدتر

از منابع اقتصادی، نقش بخش خصوصی و دولتی به عاملی تعیین کننده برای ارائه برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت تبدیل می شود.



## نظریه تمدن حقیقی

از موضوعات بسیار مهم در رساله مدنیّه در رابطه با مفهوم تمدن حقیقی است و اینکه تمدن حقیقی می‌بایست از هر دو جنبه مادی و معنوی برخوردار باشد. لذا رساله مدنیّه تجلیلی است از نقش خلاقه عقل و دانش همراه با اصول اخلاقی و روحانی در پیشرفت تمدن انسانی.

اصطلاح "ثروت حقیقی" در این رساله استفاده شده و به عنوان پیوستگی بین رفاه مادی و روحانی تعبیر می‌شود. اصول روحانی و مادی عبارت از اهداف و مقاصد مکمل یکدیگر هستند که با هم به حصول رفاه اقتصادی کلّ جامعه شتاب می‌بخشند. مثلاً در آثار بهائی، کسب ثروت تقبیح و محکوم نشده بلکه ثروت حقیقی به نحوی متفاوت تعبیر شده است.

از دیدگاه حضرت عبدالبهاء، توسعه عبارت از فرایندی طبیعی است که در آن هماهنگی بین مدنیّت مادی و مدنیّت روحانی وجود داشته باشد. بنابراین، ویژگی مهمّ

توسعهٔ بهائی این است که باید به نحوی متوازن به هر دو نیاز مادی و روحانی رسیدگی شود. کتب و آثار بهائی افراد بشر را اساساً دارای ماهیت روحانی می‌داند و سعادت و رفاه در صورتی به نحو کمال مطلوب تأمین می‌شود که وجوه روحانی حیات آنها در کنار جنبه‌های مادی تحقق یابد. از این رو، طرح‌های توسعه که از تعالیم بهائی الهام گرفته این مقتضیات و شرایط اساسی را در هم ادغام می‌کند.

درست همانطور که همراه با افزایش سطح درآمد و سرمایه‌گذاری که به سرعت در حال رشد و به حدّ اکثر رساندن بازده برای صاحبانش، رشد سریع و مداوم اقتصادی و سطوح عالی‌تر زندگی وجود دارد، پیشرفت سریع فناوری نیز به نحوی شگفت‌انگیز بر روابط تجارت جهانی اثر می‌گذارد. یکی از نمونه‌های بارز تأثیر توسعهٔ فزایندهٔ دانش و فناوری عبارت از تولید انبوه و در نتیجه مصرف بیش از حدّ توسط مصرف‌کنندگان به صورت نشانهٔ بحران ماده‌گرایی به ناپایداری همراه با معضلات اقتصادی منجر می‌شود. مثلاً، اصل روحانی اعتدال، اگر اجرا شود، می‌تواند در حیات مادی و روحانی افراد توازن را حفظ کند، و در عین حال می‌تواند راه حلی برای مسائل اجتماعی مرتبط با افراط و تفریط باشد. اعتدال و نبود آن می‌تواند بر کلیه وجوه

سبک زندگی جامعه، اقتصاد، محیط زیست و فرهنگ اثر بگذارد.

یکی از چالش‌های کنونی جامعه بشری پیامدهای نامطلوب و مضر مادی‌گرایی است که لازم است از آن عبور کن. نمونه‌هایی از اهداف اسفناک ماتریالیسم با پیامدهای اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی آن عبارتند از آسیب رساندن به محیط طبیعی، و اثرات منفی مختلف که برای زندگی انسان مخرب است. مشاهدات چنین چالش‌هایی و تأثیرات آن بر زندگی مردم در درک و بازتعریف سعادت اهمیت زیادی دارد. پس راه حل مشکلات اقتصادی غالب را باید با به کارگیری اصول معنوی در اجرای روش‌ها و رویکردهای علمی جست و جو کرد. بنابراین، یک راه حل تک بُعدی که عمدتاً از طریق ابزارهای پولی اتخاذ شود، برای مقابله با بی عدالتی‌های متعدد ناشی از نتایج فعلی کافی و مؤثر نخواهد بود. عدالت اقتصادی زمانی محقق می‌شود که هر یک از اعضای جامعه از رفاه مادی نسبی برخوردار باشند و به کسب ویژگی‌های معنوی توجه لازم را داشته باشند.

با علم به معنوی بودن انسان، رفاه مادی به تنهایی نمی‌تواند ضامن سعادت انسان باشد. اگر جنبه‌های معنوی زندگی آنها در کنار مادیات تحقق یابد و توسعه یابد،

مردم شادتر خواهند بود. اعتقاد به اصل انسجام مادی و معنوی طرفدار این است که باید بین دو جنبه زندگی تعادل وجود داشته باشد. دیدگاه این است که سعادت واقعی با فطرت والای انسان همراه است. در نتیجه، نفع شخصی و عشق به خود متعلق به ذات پست انسان است. در این سطح از زندگی، نیاز به درک جایگاه مناسب فعالیت‌های مادی در زندگی فردی و خانوادگی، شرایط زندگی معنادار، تبدیل منافع شخصی به منفعت جمعی و تلاش برای خوشبختی و سعادت واقعی وجود دارد.

بنابراین، اجرای اصول روحانی تلاشی برای مراقبت مطلوب از منابع کره ارض است. هدف آن تأمین نیازهای این نسل و در عین حال حمایت از منابع برای نسل‌های آینده و نیز حفظ محیط زیست و احترام به آن است. دوام و پایداری عبارت از فرایندی پویا است، که بر ما اثر می‌گذارد و از ما اثر می‌پذیرد، و از این رهگذر نیاز به توجه دقیق و مراقبت عظیم دارد تا نیازهای ما تأمین شود بی آنکه به نیازهای دیگران لطمه وارد آورد؛ متضمن استفاده مسئولانه از منابع محدود است. توازن در حیات مادی و روحانی افراد راه حلی برای حل بسیاری از مشکلات اجتماعی است مانند فقر و نابرابری و از این نوع معضلات که در رساله مدنیّه ذکر آن شده است.

## نظریه عدل و انصاف

حضرت عبدالبهاء در این رساله حد اقل سی بار از واژه‌های عدل و عدالت استفاده کرده اند و چندین بار دو اصطلاح عدل و انصاف را با هم بکار برده اند.

عدالت از زمان طلوع تمدن نقشی حیاتی داشته و همچنان نقشی حیاتی در روند ایجاد دنیایی بهتر برای همه ایفا می کند. اصطلاح "عدالت" به عنوان روش حصول اهداف اجتماعی - سیاسی - اقتصادی کراراً در این رساله اشاره شده است و به جرأت میتوان گفت که ایشان پیشگام یک اقتصاد اخلاقی و روحانی هستند. حضرت عبدالبهاء نقش مداخله دولت در مقابله با چالش‌های نابرابری و فقر را حیاتی میدانند و دولت وقت را گوشزد میکنند. اولویت اصلی این است که قوانین مناسب برای حمایت از مردمی که از نظر اقتصادی دارای مزیت کمتری هستند مورد نیاز است و یکی از مسئولیتهای دولت مراقبت از فقراست.

حضرت عبدالبهاء خصائصی را تحت عنوان صفات

کمالیّه برای علما معرفی میکنند و اشاره میفرمایند که دارا بودن این صفات اولین شرط است برای اینکه کسی را عالم بخوانیم، میفرمایند،

اول صفت کمالیّه علم و فضل است و جامعیت این مقام اعظم اقوم آگاهی کما هی بر غوامض مسائل الهی و حقایق حکم سیاسیّه شرعیّه قرآنی و مضامین سایر کتب سماوی و وقوف بر ضوابط و روابط ترقی و تمدن ملت باهره و اطلاع بر قوانین و اصول و رسوم و احوال و اطوار و قوای مادی و ادبی عالم سیاسی ملل سائره و جامعیت فنون نافعه ی عصریه و تتبع در کتب تاریخیه اعصار سالفه. (رساله مدنیّه، صص ۴۲-۴۳)

حضرت عبدالبهاء دومین صفتی را که برای جامعه ضروری میدانند، عدل است. میفرمایند،  
ثانی صفت کمالیّه، عدل و حقّانیت است و آن عدم التفات و التزام منافع ذاتیّه و فوائد شخصیّه خود و بدون ملاحظه و مراعات جهتی از جهات بین خلق اجزای احکام حق نمودن و نفس خود را چون افراد بندگان غنی مطلق شمردن و جز امتیاز معنوی در امری از امور تفرد از جمهور نجستن و خیر عموم را خیر خویشتن دانستن، خلاصه هیئت جمعیت را به منزله شخص واحد پنداشتن و نفس خود را عضوی از اعضای این هیئت مجسمه انگاشتن و الم و تاثر



هر جزئی سبب تالم کل اجزا هیئت بالبداهه تیقن ملل و  
دول است. (صص ۴۶-۴۷)

در باره اهمیّت عدل در بیانی دیگر میفرمایند،  
باری در عالم وجود سطوت قاهره جنود عدل را قوای  
اعظم عالم مقابلی نکند و بنیان مرصوص حصون حصینه  
مقاومت ننماید چه که فتوحات این سیف قاطع را کلّ برایا  
طوعاً و رضاًء مغلوب گردند و ویرانهای عالم از هجوم این  
جنود باعلی درجه معموریّت و آبادی سرافراز شود دو رایت  
اعظم است که بر افسر هر جهانبانی سایه افکند بمثابه نیر  
اعظم انوار ساطعه حکومتش بکمال سهولت در ارکان عالم  
نفوذ کند رایت اولّیه عقل و رایت ثانیه عدل این دو قوه  
عظیمه را جبال آهنین مقاومت نتواند و سدّ سکندری را  
متانت نماند و این واضح و بدیهیست که حیات این عالم  
فانی چون نسایم صبحگاهی بی ثبات و در مرور در این صورت  
خوشا بزرگواری که در سبیل رضایت باری صیت ممدوحه  
و ذکر خیری یادگار گذارد.

چو آهنگ رفتن کند جان پاک

چه بر تخت مردن چه بر روی خاک. (صص ۸۲-۸۳)

سوال این است که چرا حضرت عبدالبهاء نیاز به عدالت را ضروری میدانند؟ یک پاسخ معقول این است که انواع بی عدالتیها در همه سطوح جامعه وجود داشته است که در بخش دوم این نوشته به آن اشاره شد. به عنوان مثال، بی عدالتی در مورد استثمار اقتصادی، رنج فقرا، نابرابری، تبعیض و فساد. اینها آشکارا نمونه های ناعادلانه هستند. دولت وقت به جای از بین بردن درد و رنج مردم، مقدار فزاینده ای از ثروت ملت را صرف امیال شخصی از جمله کالا و خدمات غیرضروری، غیراخلاقی و حتی مخرب می نمودند. لذا حضرت عبدالبهاء در این رساله اهمیّت عمل به عدالت را تصریح می کنند. پیشرفت اجتماعی و برگزاری عدالت از وظایف مهم یک دولت محسوب میشود. منافع عمومی اغلب شامل مواردی مانند عدالت اجتماعی، برابری، و رفاه جمعیت های به حاشیه رانده یا آسیب پذیر است. دولتها میتوانند با اولویت دادن به منافع عمومی، در جهت ایجاد جامعه ای عادلانه تر تلاش کنند. اینها توصیه های حضرت عبدالبهاء به دولت وقت و در واقع برای هر دولتی است که در مقابل شهروندان خود مسؤولیت دارند.

### ارتباط بین عدالت و انصاف

اگرچه دو کلمه عدالت و انصاف اغلب با هم ظاهر

می شوند یا به جای یکدیگر استفاده می شوند، تفاوت هایی بین آنها وجود دارد که در دانستن آن در بحث جهانی شدن مفید واقع می شود. عدالت عبارت از اقامه یا تعیین حقوق بر اساس قواعد حقوقی برای کل جامعه است. این چیزی است که عادلانه یا درست است با اعمال اقتدار یا قدرت، مانند تعیین پاداش یا مجازات مستحق. انصاف از سوی دیگر کیفیتی است که با بی طرفی، صداقت، رحمت و شفقت و این نوع اصول انسان دوستانه مشخص می شود و عاری از منفعت شخصی و تعصب است. بطور خاص حاکمان دولتها به عدالت موظف شده اند تا نظم را در جامعه برقرار کنند، در حالی که انصاف یک اصل اخلاقی است و سر و کارش با وجدان انسانهاست و همه موظف اجرای آن هستند. از این رو، برابری و انصاف بسیار متفاوتند. انصاف تنوع و بی میلی فردی هر شخصی را می پذیرد. در حالی که مردم متفاوتند، باید با آنها در مقابل قانون یکسان رفتار شود. تنوع مردمان سبب تجلیل و تحسین است.

با در نظر گرفتن معنای انصاف، نیاز است که سیاستگذاران و قانونگذاران منصف، قوانینی منصفانه و بی طرفانه برای ایجاد فرصت برابر برای همه شهروندان وضع کنند. این دیدگاه افراد را قادر می سازد تا استعدادها و

قابلیت های نهفته خود را کشف کنند تا به اعضای سازنده جوامع خود تبدیل شوند. به عبارت دیگر، انسان ها از نظر خداوند و در برابر قوانین کشوری با هم برابرند، اما با قابلیت های اقتصادی متفاوت. این طرز تفکر یک رویکرد معقول برای اجازه دادن به مردم برای تبدیل شدن به شهروندان فعال نه تنها به خاطر خود بلکه برای کمک به رفاه عمومی است.

### اعمال (عملکرد) عدالت اقتصادی

این باور که عدالت در فطرت متعالی انسان جای خود را دارد، بیانگر فطری بودن آن در انسان است. با این حال، تلاش برای ایجاد فضایل لازم برای تحقق عدالت لازم است. اعتقاد به فطرت والاتر انسان نیز افراد را به رفتار عادلانه و مهربانانه برمی انگیزد. این می تواند پیامدهای قابل توجهی در تمام جنبه های زندگی اجتماعی - سیاسی - اقتصادی داشته باشد. ایده عدالت اقتصادی همچنین با مفهوم شکوفایی کلی اقتصادی پیوند دارد. ایجاد فرصت های بیشتر برای همه اعضای جامعه به رشد اقتصادی پایدار کمک می کند.

عدالت اقتصادی مستلزم تخصیص عادلانه منابع مالی و اقتصادی بین مردم است. از این رو، این یک اصل

اخلاقی حیاتی است که برای تأمین کالاهای اجتماعی کاربرد دارد. تمرکز اصلی عدالت توزیعی، توزیع مجدد درآمد و ثروت به عنوان روشی ایده آل برای کاهش نابرابری و مراقبت از فقرا است.



## ۲۵

### سخن پایانی

تحقیقات زیادی در مورد وضع ایران در دوران قاجاریه شده که نویسندگان و مورخین از نقطه نظرات گوناگون مانند اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و عقاید و رسوم دینی و اوضاع و احوال سلاطین و طرز مملکت داری و امثال آن مورد بررسی قرار داده‌اند. اما مهم آن است که حضرت عبدالبهاء با نگاهی میهن پرستانه و دلسوزانه و کاملاً بی‌طرفانه که حاکی از الهامات الهی است اوضاع ایران و جهان را از همه نظر مخصوصاً از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روحانی و اخلاقی مورد بررسی قرار داده‌اند و هدایت‌های لازم را فرموده‌اند. بنظر میرسد امروزه مجدداً ایران نیازمند اصلاحات است. اگرچه در بخشهایی موفقیت‌هایی به دست آورده اما از جنبه‌های دیگر مخصوصاً از لحاظ تربیت اجتماعی مانند رعایت حقوق بشر و بوجود آوردن فرصت‌های مساوی برای همه شهروندان نه تنها پیشرفتی نداشته بلکه به جرأت می‌توان گفت که دچار رکود و عقب افتادگی هم شده که نیاز به نگرشی دوباره دارد. البته بروز رسانی

فرهنگ‌ها و تمدن امروز با افکار هزاران سال قبل که آمیخته با خرافات و تعصبات گوناگون نیز گردیده است کاری دشوار است اما چنین تغییراتی غیر ممکن نیست.

در این نوشته سعی بنده اشاره ای مختصر به تعدادی از آموزه های اقتصادی حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه شد که به شناخت اوضاع سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مربوط میشود. باید توجه داشت که تعالیم اقتصادی آئین بهائی تنها وسیله ای هستند برای هدف اصلی که وحدت عالم انسانی است. این نکته قابل ذکر است که هیچ الگویی در انزوا کار نمیکند. امروزه ملل جهان شدیداً به یکدیگر متصل هستند و ارتباط دو جانبه برقرار است. ملل مختلفه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و زیست محیطی بهم وابسته هستند. تمثیل هیکل بشری که عبدالبهاء رساله مدنیّه نیز از آن صحبت میکنند به عنوان سیستم متحدی که دارای تعامل مرتّب و وابستگی متقابل به صورت یک کلّ متشکل است برای ملاحظه جامعه بشری به کار رفته است. در هیکل بشری به صورت یک سیستم، اگر در یک بخش از بدن انسان دردی حاصل شود، بقیه قسمتها نیز دچار درد و رنج می‌گردد. همینطور، در جامعه بشری مسائلی از قبیل فقر و گرسنگی، و جابجایی در یک

بخش از عالم سبب درد و رنج دیگر قسمت های جامعه می شود.

رساله مدنیّه عمدتاً از دیدگاه مسائل اجتماعی و روحانی و اخلاقی بررسی شده است. اما در خلال این رساله کوتاه که مسئله اصلی آن مواجهه ایرانیان با مدرنیته است، نکات مهم و برجسته ای درباره مسائل سیاسی، پیشرفت اجتماع، دیدگاه نسبت به دین و علما، و هم چنین مسائل اقتصادی می توان یافت. هر چند این رساله برای ایرانیان به نگارش در آمده و در باره حل مشکلات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی ایران است ولی میبایست مورد توجه همه کشورهایی که موقعیتی شبیه ایران را دارند کاربرد عملی داشته باشد.

در ابتدای رساله خطاب به ایرانیان میفرمایند: "این خطله طیبه چون سراج و هاج بانوار عرفان و ضیاء علوم و فنون و علو منزلت و سمو همّت و حکمت و شجاعت و مروّت نورانی بود حال از کسالت و بطالت و خمودت و عدم ترتیب و نظم و قلت غیرت و همّت اهالی پرتو اقبالش مکدر و ظلمانی گشته بکت السموات السبع والأرضون السبع علی عزیز ذلّ." (رساله مدنیّه، ص ۲)



و در پایان رساله باز خطاب به ایرانیان میفرمایند:  
"ای خوشا حال نفسی که خیر ذاتی خود را فراموش نموده  
چون خاصان درگاه حق گوی همّت را در میدان منفعت  
جمهور افکند تا بعنایات الهیّه و تأییدات صمدانیّه مؤید بر  
آن گردد که این ملت عظیمه را باوج عزّت قدیمه رساند و  
این اقلیم پژمرده را بحیات طیّبه تازه و زنده نماید و چون  
بهار روحانی اشجار نفوس انسانی را بحلیهٔ اوراق و ازهار و  
اثمار سعادت مقدّسه سرسبز و خرّم نماید." (رساله مدنیّه،  
ص ۱۳۷)



